

محمدتقی دانش پژوه

يك پرده از زندگانی شاه تهماسب صفوی

يك چند بی زشرد سوده شدیم
 يك چند به یاقوت تر آلوده شدیم
 الودگی بود بهر رنگ که بود
 شقیم به آب توبه و آسوده شدیم
 شاه تهماسب

سرسلسله دودمان صفوی شاه اسماعیل خود را از خاندان شیخ صفی الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی کرد رشنیق صوفی شافعی (۶۵۰ - ۷۳۵) میدانسته و خویشتر را سید حسینی میخوانده^۲ و خود را شیعی دوازده امامی نشان میداده است. فرماندهی بود دلیر و جنگجوی بی باک و صوفی غالی و پیروانش او را رهبر و مرشد کامل می پنداشته اند او میخواست استه است که میان خرقة درویشی و پلاس صوفیانه و میانه شمشیر

۱- مجمع الخواص صادقی افشار کتابدار ص ۹ - تاریخ سلاطین صفوی ونادر ش ۱۵۵۵
 منی تهران ص ۳۸ - حاصل الحیاة فیلم ۳۵۲۵ دانشگاه گز ۳۰۰ ر - دانشمندان آذربایجان
 ص ۲۴۸
 ۲- خط او باهمین نسبت در مرقع ۱۴۲۲ فارسی دانشگاه استانبول دیده میشود (نیز
 زندگانی شاه عباس از فلسفی ۱: برابر ۱۵۸ و تحفه سامی چاپ همایون فرخ برابر ص ۸).

خسروانی و خنجر کردی (عالم آرای شاه اسماعیل ج ۲ ص ۴۷) آشتی دهد. باشعراهای حماسی ترکی (گاهی هم فارسی) که میسر و ده است روش سیاسی خویش را که به ساخت دین و آیین در آورده بود به پیروان خویش که بیشتر ترک زبان بوده اند میآموخته و مانند عربهای تازه نفسر آغاز اسلام که به شهرهای سورستان و ایران شهر و خراسان و اندلس و آفریقا تاخته اند و مانند ترکان دودمان عثمان آغاز دولت عثمانی و ترکان غزنوی و ایرانگر سرزمین هند و اوزبکان و رارود بگفته خنجی در تاریخ عالم آرای امینی سجاده تقوی را غاشیه زین و خرقة پرهیز را قبای خونریز و عصای زهدات را نیزه جلادت کرده است.

او با غلو مذهبی که داشته و خود را نور خدا میدانسته که تعبیر دیگریست از فر ایزدی (ص ۶۵ نصیحة الملوك غزالی) وظل الهی (در ترجمه عربی) به قزل باشان و سرخ سران و صوفیان و درویشان جان باز و کارکنان دستگاه خود که بیشتر ترك بوده و از رومیان آسیای کوچک که پیشینیان آنها شیخ جنید را خدا میدانسته اند دستور میداده است که او را سجده کنند.^۳

گذشته از این غلو و ارتفاع و بلندپروازی در عقیده که با اصول عقاید پیروان سنت بلکه شیعی هم مخالف است نسبت به شعائر رسمی و نسک مذهبی نیز گذشت گونه و تسامحی روا میداشته و به فروع مذهب نیز چندان پابند نبوده است.

پس او هم در اصول و هم در فروع مذهبی رخنه کرده و نزد ظاهریان سنی و شیعی مونس استوار بشمار نمی آمده و در درون ایران پیروان سنت و شیعیان زیدی با او نمی توانستند يك دل و يك زبان شوند و از بیرون هم

۳- راعنمای کتاب ۵۵۵:۴ - نشریه دانشکده ادبیات اصفهان ۲۸۹:۱.

ترکان عثمانی و اوزبکان و ارارود آشکارا با او دشمنی داشته و او را خارجی می‌پنداشته‌اند.

از سوی دیگر بیشتر مردم ایران زمین در اثر فشار دستگاه‌های فرمان‌روایی عربی و ترکی و اوزبکی همواره چشم‌به‌راه کسی بوده‌اند که آنان را ازین بند و گزند برهاند. آنان دیدند که اسماعیل از میان خود آنها برخاسته است اگرچه شاید نمیدانستند که او کُرْد است و نام یکی از نیاکان او در نسب‌نامه مندرج در نسخه کهنی از صفوة الصفاء «عواض بن پیروز الکردی السنجانی» است که در نسب‌نامه‌های دیگر و در نسخه‌های تازه‌تر صفوة الصفاء و نسخه‌های دیگر مانند جنگ خاتون آبادی نسخه ملی (برگه ۲۳۷) و مانند آن بجای آن «فیروز شاه غوص الخواص» نوشته‌اند. ایرانیان میدیدند که اسماعیل و پیروانش به ترکی سخن می‌گویند. ولی چون می‌دیدند که او در میان آنها پیدا شده و نام ایران در تاریخ این دودمان دیده می‌شود و با دشمنان آنها می‌جنگند گویا پیروی ازین دستگاه چندان بر آنها گران نیامده است و ناگزیر به امید رهایی از یوغ حکومت بیگانگان و در اثر شمشیر و قام و بیان دستگاه اسماعیل صفوی از آیین پیشین سنی و زیدی و باطنی که داشته‌اند ناگزیر دست کشیده‌اند. *بانی و مطالبات فرعی*

افراط و غلوی که اسماعیل صفوی در اصول عقاید داشته و تسامحی که او نسبت به فروع مذهب روا میداشته است با ایستادگی مؤمنان درون ایران و ستیزه‌های دشمنان سنی بیرون این کشور روبرو بوده و ناگزیر شاه اسماعیل در پیشرفت خویش به شکست و ناکامی دچار میگشته است این بود که او خود روی به اعتدال و میانه‌روی نهاده و از آن روش تندروی در عقاید و راه شیعی غالی برگشت و در چارچوب شیعی اثنا- عشری به ظاهر از شعایر اسلامی طرفداری میکرده است.

گویا در اثر همین تندروی در اصول و گذشت در فروع از یک سوی و

کشتار و خانمان براندازی در شهرهایی که به جنگ می‌گرفته است از سوی دیگر بود که گروهی از ایرانیان از میهن خویش دوری می‌گزیدند مانند زین‌الدین محمود و اصفی که در بدایع الوقایع داستان گریختن خویش را به ورارود می‌آورد. همچنین گروهی در گرایش به آیین شیعی دودله بوده‌اند و گاهی میشد که کسی خود را زمانی سنی و زمانی شیعی نشان دهد مانند احمد تونی طیبی که در تحفه سامی (۲۰۹) سرگذشت او آمده است و مانند خاندان میر مخدوم که برخی از آنها سنی و برخی دیگر شیعی بوده‌اند (فهرست دانشگاه ۶۱۷:۳) در لابلای تاریخ خاندان صفوی به گرایشی که برخی از شاهزادگان به آیین تسنن داشته‌اند برمی‌خوریم و شاید در اثر همینها بوده است که اسماعیل دوم خود را میخواست است که سنی نشان دهد و میر مخدوم مؤلف التواقض علی الروافض را که از ترس از ایران رفته بود دوباره به دربار برگردانده است.

در زندگانی سیاسی شاه اسماعیل میتوان دو دوره تشخیص داد:

- ۱- دوره یورش و داروگیری و کشتار و چپاول و گرفتار ساختن سپاهیان دشمن و مردم شهرها و روستاها و چیره شدن بر آنجاها و اسیر گرفتن دختران و زنان آنجاها و برده کردن آنها.
- ۲- دوره آرامش و آشتی و سازش و نگاهداری از مردم و کوشش در اینکه با تبلیغ و مناظرات و خطابت به دستگیری دانشمندان دین و درویشان و نقالان آنان را از دین پیشین که تسنن در بسیاری از شهرها و آیین زیدی در گیلان و طبرستان و کیش اسماعیلی در چند شهر دیگر باشد برگردانند و به آیین دوازده امامی بگرایانند.

این کار در طول تاریخ سیاسی صفوی از یک سوی به دست دانشمندان با تالیف کتابهای اعتقادی و کلامی و سخنوریها و مجلس‌گوییها و خطبه‌های

آنان در جمعه‌ها و جماعت‌ها و اعیاد مذهبی انجام می‌گرفته و از سوی دیگر به دستگیری مناقب خوانان و فضایل گویان و تعزیت سرایان و ستایشگران و سراینندگان مذهبی و شمایل گردانان و بنیادگذاران مزارات و آستانه‌های سادات و شیوخ و امامزاده‌ها و مزارهای دست‌خط و آفرینندگان نسخه‌های مصاحف منسوب به ائمه انجام می‌یافته است.

تعمیر و آرایش بقاع ائمه که در تاریخ صفویان یاد میشود و کتیبه‌های بسیاری که از آنها در آنجاها به یادگار مانده خود گواهی است روشن بر این - گونه ترویج مذهب همچنین وقف‌های بسیاری که در این مورد کرده‌اند.

از کارهای تبلیغی زمان صفوی باید تکثیر نسخه‌های صحیفه سجادیه و علویه و ادعیه مأثوره از ائمه و شرح و تحشیه و ترجمه آنها و تکثیر نسخه فقه رضوی و فرائض رضویه و طب رضوی و صحیفه رضویه و مانند آن و ساختن رساله حسنیه را که هر يك از اینها برای خود داستانی دارند به‌شمار آورد.

صحیفه سجادیه در زمان صفویان نزدیک به شی شرح شده است.

همچنین دعاء الصبح منسوب به امیر مؤمنان (ع) را از ۹۸۶ تا ۱۱۸۳

شرح نوشته‌اند.

تدوین کتابهای دعاء به عربی و فارسی در این دوران خود داستانی بس

دراز دارد که در فهرستها می‌خوانیم.

باز از کارهای تبلیغی صفوی ترویج رسوم قزلباشان و صوفیان درباری است مانند توحیدخانه و چله‌خانه است که در تواریخ و منشآت یاد آنها هست. توحیدخانه در چند شهر بوده است. از طومار گنجینه شیخ صفی (ص ۶۲) برمی‌آید که در آستانه شیخ چله‌خانه بوده و گنبدی داشته است.

گویا برای همین گونه آشتی و سازش بود که خواسته‌اند محقق احمد اردبیلی فقیه پارسای دوری‌گزین از دیوان و دربار را که در ۹۹۳ در گذشته و شاید هم شاه اسماعیل را ندیده‌است از نزدیکان یا آشنایان او بشمار بیاورند در عالم آرای شاه اسماعیل صفوی (چ ۱ ص ۶۰ و ۸۱ و چ ۲ ص ۶۴) نوشته‌اند که «مولانا آخوند احمد اردبیلی» در روز آدینه در مسجد جامع تبریز پس از تخت‌نشینی شاه اسماعیل به دستور او خطبه خوانده‌است و او بود که تاجلوبیگم دختر عابدین بیگ شاملو را برای شاه اسماعیل عقد بسته‌است. این زناشویی بایستی پیش از سال ۹۰۸ رخ داده‌باشد و اردبیلی گویا در آن زمان کودکی بیش نبوده و در نسب‌نامه محمد شفیع اصفهانی هم در اینجا نامی از اردبیلی نیست.

شاه اسماعیل در ۱۵ محرم ۹۰۵ پیچی‌نیل در دوازده سالگی خروج کرده‌است (خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی ص ۳۰ ش ۶۵۷۰ دانشگاه).

در عالم آرای شاه اسماعیل صفوی (چ ۱ ص ۲۲ و چ ۲ ص ۲۶) آمده‌است که اختربینان برای میرزا جهان‌شاه سلجوقی پیش‌گویی کرده‌بودند که یکی از فرزندان شیخ صفی خروج خواهد کرد.

همچنین در آنجا (چ ۱ ص ۲۸ تا ۴۳ و چ ۲ ص ۴۳ تا ۴۷) چندین نکته دیگر است که آسمانی پنداشتن خروج شاه اسماعیل را میرساند مانند داستان سخن‌گفتن او با امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) و چاره‌جویی کیا امیره و فرمان‌روای گیلان و پادشاه لاهیجان در رهایی او و خواب‌دیدن او امیر مؤمنان را که به‌وی درباره شاه اسماعیل سفارش میکند و داستان پیش‌بینی دده محمد درویش شهر قسطنطنیه روم مرید حاجی بکتاش ولی درباره شاه اسماعیل و پیامی که او به‌وسیله دده حسن برای او فرستاده است و دیدن دده حسن صاحب‌امرا که تاج بر سر شاه اسماعیل می‌گذارد و

کمرش را می‌بندد و به جای خنجر کردی^۴ شمشیری به میانش می‌بندد و بدو اجازه خروج میدهد. این نکته‌ها بروش^۵ نقالان و درویشانه نقل شده‌است.

اما بروش اخباریان شیعی درباره این خروج قاضی احمد قمی در خلاصة التواریخ (ص ۵۰ ش ۶۵۷ دانشگاه) از شیخ بهائی از پدرش می‌آورد که پیامبر فرموده‌است: «ان لنا باردبیل کنز وای کنز فلیس بذهب ولا فضة ولکنه رجل من اولادی یدخل تبریز مع اثناعشر الفاً راکباً بغلاة شهباء وعلی راسه عصا بة حمراء» (نیز فهرست دانشگاه ۱۲۰۹:۵ به نقل از فارس‌نامه ناصری از همین کتاب).

در خلاصة التواریخ قمی (ص ۵۳ و ۵۴ ش ۶۵۷ دانشگاه) در داستان رفتن شاه اسماعیل به قم و نشستن در دولت‌خانه حسن پادشاه که آقا کمال الدین حسین مسیبی نیای مادری مؤلف برای شاه اسماعیل از نو آراسته بود و دیدار او از زاویه حسینیة همین مسیبی در بیرون درب کهنگان شهر قم به سال ۹۰۸ آمده‌است که پیامبر فرموده‌است: «لکل قوم دولة و دولتنا فی آخر الزمان».

در اربعین منسوب به شهاب الدین عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری طوسی خراسانی که پیروان سنت او را در بخارا در سال ۹۹۷ کشته‌اند و آن در ۹۸۲ ساخته شده‌است حدیثهایی آمده که اطاعت سلطان در آنها واجب دانسته شده‌است (فهرست دانشگاه ۱۰۶۹:۵ و ۲۱۴۸:۶).

محمد باقر مجلسی هم در رساله رجعت حدیثهایی از ائمه آورده که دران از ظهور صفویه خبر داده‌اند (همانجا ۱۲۰۳:۵).

همچنین رساله‌ای داریم در ذکر چند حدیث که دلالت بر خروج شاه

۴- گویا اشارتی است به کردن نژاد بودن شاه اسماعیل

اسماعیل دارد به نقل از غیبت طوسی و خرایج و جرایح راوندی و اقبال ابن طاوس و غیبت نعمانی که در پایان آن آمده است که شیخ حسین عاملی پدر شیخ بهائی گفته است که مقتولان مروج این مذهب موافق حدیث حکم شهداء دارند (ش ۳/ ۵۸۹۴ دانشگاه).

چون این خروج در برابر خلافت سلاطین ترک عثمانی باختر و پادشاهان اوزبک خاور که هر دو پیرو سنت بوده اند و همچنین در برابر امامت پیشوایان زیدی طبرستان و گیلان که مخالف شیعی اثناعشر بوده اند و امامت پیشوایان فاطمی و صباحی گروه اسماعیلی برخی از شهرهای ایران نوعی رفض و طغیان غیر مشروع بشمار می آمده است^۵ ناگزیر شدند که آنرا درست و مشروع نشان دهند این بود که نخست آنرا به روش نقالان و صوفیان ناشی از اجازه امام معصوم و سپس به روش راویان شیعی مطابق با اخبار نبوی و ولوی وانمود کرده اند تا عوام و خواص هر دو آن را مطابق دین و مذهب بدانند این بود که سازش گونه ای میان فقهاء و دستگاه فرمانروایی صفوی از روزگار شاه اسماعیل تا شاه سلطان حسین پدیدار شده بود و در کتابها بنام چندین دانشمند بر می خوریم که با این دستگاه همکاری داشته اند مانند محقق کرکی که در دولت شاه تهماسب نفوذی کامل داشته است و شیخ بهائی که با شاه عباس پرسش و پاسخهایی داشته که تاکنون به سه نسخه ازان برخوردده ام: یکی در سپهسالار بشماره ۳/ ۸۱۵۰ (فهرست

۵- در مجموعه شماره ۱۲۳۴۹ مجلس سنا نامه ایست از ملاحسین سالوادی درباره علماء زیدیه و پاسخ آن و پاسخ عریضه زیدیه و باید به دوران خان احمد گیلانی و چگونه تحول مردم گیلان از تزید به تشیع مربوط باشد. در ریاض الابرار عقیلی رستمی از درگیری شاه تهماسب با اسماعیلیان یاد شده است (نامه آستان قدس شماره مخصوص ۱۳۵۰ ص ۲۰۱- مجله وحید: ۷۴۳).

۲۷۶۰۳) دومی در دانشگاه بشماره ۷۰۱۳/۱۱ سومی در جنگِ علی نقی خاتون آبادی نسخه کتابخانه ملی تهران ص ۲۲۷ (فیلم شماره ۳۸۴۹ دانشگاه) این پرسش و پاسخها نمونه خوبی است برای چنین سازش میان دین و سیاست صفوی.

همچنین محمد امین استرآبادی که به خوش آیند پادشاه صفوی روزگار خود «رسالة فی طهارة الخمر» ساخته است (فهرست دانشگاه ۲۶۶۷: ۷) و میرزا قاضی یزدی اردکانی شیخ الاسلام اصفهان جام جهان نمای عباسی ساخته و میگزاری را به بهانه درمان بیماری رواداشته است (فهرست نسخه های خطی فارسی ۵۱۲) نیز محمدباقر بن محمد رضای موسوی طبیب که رساله شراب دارد (فهرست فیلمها ۱۰۵).

همچنین محمدباقر محقق سبزواری که در آغاز روضه الانوار عباسی شاه عباس دوم را روح این جهان دانسته و همه بندگان را جان نثار او که باید او را برتری نهند و خود او هم کمترین بنده دعاگوی وی است و این کتاب را به شکر نعمت وی نگاشته است.

نیز آقا جمال الدین محمد خوانساری که تعریف سلسله صفوی دارد (همان جنگ خاتون آبادی بند ۸۹ و نسخه ۴۷۲۷/۱۱ دانشگاه) و دو مجلسی که از شناختگان دربار صفوی بوده اند و محمدباقر حسینی اصفهانی که ندیم شاه سلطان حسین بوده است.

نیز ظهیرای تفرشی ظهیرالدین علی بن مراد تفرشی مؤلف جواب الشبهتین (ادبیات تهران ۱۸۸۰: ۱) و مطالع و مفارب (۳/۳۲۸۲ دانشگاه) که به نام شاه عباس دوم تعریف همایون تبه مازندران ساخته (۴۷۲۷/۸ دانشگاه) و باغ و بهار دارد (۱۲/۴۱۱۸ و ۵/۴۷۲۷ دانشگاه - جنگ خاتون آبادی) و تعریف سخن (۶/۴۷۲۷ دانشگاه) و او هنگامی که در مجلس حکومت شهر

تفلیس با شاه نظر خان فرمانروای گرجستان بوده است در رد پادری گبرائیل فرنگی نصره الحق نگاشته است (۲/۳۲۸۲ دانشگاه) .

از دیباچه کتابهای که دانشمندان روزگار صفوی بنام آنها نگاشته اند و همچنین از پاسخ و پرسشها که میان آنان شده است، همکاری و سازش دین و دربار در آن روزگار آشکار میگردد و شواهد دیگری میتوان بدست آورد.

در روضة الانوار عباسی محقق سبزواری که در ۱۰۷۳ بنام شاه عباس دوم ساخته است در پایان فصل ۸ باب ۲ قسم ۲ (ص ۲۹۶ چاپ سنگی ۱۲۸۴) آمده است که: در سال ۹۲۰ میان شاه اسماعیل و محمدخان شیبانی اوزبک جنگ شده بود و شاه اسماعیل بر او چیره شده و خراسان را بگرفت و فتح نامه ها به شهرها فرستاد. زین الدین محمد زیارت گاهی به دستور قورچی قلی جان آقا جان بیک خوزانی در مسجد جامع هرات فتح نامه را خوانده تا رسید به سب و لعن خلفا اوزبکان و هرویان متعصب دهشت کرده و برآشفتنند و با تیغ قلی جان آقارا بکشتند ناگزیر دیگری به خواندن فتح نامه پرداخت و هراسی در دل مردم راه یافت سیف الدین احمد تفتازانی که سی سال شیخ الاسلام سراسر خراسان بود و سخت متعصب همانکه شاه اسماعیل باره دوم که به هرات آمده او را بکشت در آنجای بود این حال را که دید گفت: «این عجب آتشی است که شعله کشیده اما زود فرو خواهد نشست.» منجمی پهلوی او نشسته بود بدو گفت: «راست است آتشی است شعله کشیده اما زود فرو خواهد نشست.»

از احسن التواریخ روملو (ص ۱۱۱) برمیآید که این جنگ و کشته شدن شیبک خان در سال ۹۱۶ بوده و تاریخ مرگ تفتازانی را ۹۱۶ نوشته اند. در احسن التواریخ (ص ۱۲۲) به فرستادن فتح نامه اشارتی شده ولی از این داستان یادنگشته است. این داستان افسانه وار در عالم آرای شاه اسماعیل

صفوی (ج ۱ ص ۳۹۶ و ج ۲ ص ۳۴۴) آمده است. نمیدانم سبزواری از کجا گرفته است.

باری شاه تهماسب فرزند شاه اسماعیل نخستین در چنین خاندانی به بار آمده و واکنشهایی که در برابر غلو و تندروی و تسامح و گذشت پدرش پدیدار شده بود دیده و ترسیده است که این دستگاره را بر اندازند این بود که او کوشید که خود را هر چه بیشتر به اصول و فروع مذهب نزدیکتر کند.

شاه تهماسب در روز چهارشنبه ۲۶ ذح ۹۱۹ یا ۹۰۲ در روستای شهابادیارنان اصفهان از مادرش تاجلو بیگم دختر عابدین بیگ شاملوزاده و در چاشتگاه روز دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ پیچین نیل ترکی در ده سالگی بر تخت پادشاهی نشست و در شب سه شنبه ۱۵ صفر ۹۸۴ سیچقان نیل در اثر نوره حمام در گذشته است. او را در این بیماری غیاث الدین علی کاشی و ابونصر پسر صدر الشریعة صدرای گیلانی درمان میکردند و فائدهای نکرد. ابونصر گیلانی را هم به گناه تقریبی که در دستگاه حیدر میرزا داشته است گفته اند که در معالجه پادشاه خیانت کرده و کورچیان حوض خانه او را در دولتخانه کشته اند. عمر شاه تهماسب ۶۴ سال و یک ماه و ۲۵ روز و شاهیش ۵۳ سال و شش ماه و ۲۶ روز و کسی پس از بهرام گور به جز المستنصر بالله به این درازی پادشاهی نکرده است.^۸

او در بیست سالگی در نهمین سال پادشاهی خود (سال ۹۴۰) در مشهد بوده و امام رضا (ع) را به خواب دیده و از همه گناهان و تبه کاریها

۶- چنانکه در تاریخ شاه اسماعیل صفوی (ج ۱ ص ۲ و ج ۲ ص ۱۹۴) آمده است.

۷- قصص الخاقانی ش ۵۶۴۶ دانشگاه - تذکره شاه تهماسب ص ۸ - احسن التواریخ

س ۱۴۲ و ۱۸۴ و ۴۶۳ - خلد برین قزوینی نسخه مجلس.

توبت کرده و لشکریان و سپاهیان قلم رو فرمانروایی خویش را نیز از هر گونه گناه و تبه کاری و میگساری توبت داد و می خانه ها و بوزه خانه ها و بیت اللطف را بست و دیگر نامشروعها را از میان برداشت.^۸

اسکندربیک در عالم آرای عباسی (ص ۱۲۲) می نویسد که او در سال نهم پادشاهی خود در جوانی به سال ۹۳۹ که بیست ساله بوده است توبت نموده و هرگز آنرا نشکست. به دستور او وجوه شراب خانه و قمارخانه و بیت اللطف را از دفترهای دیوانی بیرون ریختند و امیران و قزلباشان نیز رفته رفته به پیروی از او توبت کردند.^۹ در نقاوة الاثار (ص ۱۴) هم آمده است که او در جوانی توبت نصوح کرده و نذر نمود که قبه امام رضا (ع) را طلاکاری کند و هشتاد من طلا در آنجا بکار برده است.

شاه تهماسب چنین می پنداشت که امام امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و امام رضا (ع) را در خواب می بیند. او به توحیدخانه که جایگاه عبادت قزلباشان و صوفیان شاه و یساوان دستگاه صفوی در آدینه ها بوده است نیز می رفته است.^{۱۰}

این توحیدخانه در اصفهان باید همان بقعه هشت ضلعی دارای گنبد در بست علی قاپو (آلاقاپی) یا کاخ دروازه رنگین که پرستشگاه صوفیان بوده است باشد.^{۱۱}

در شهر مشهد در برابر درب حرم بوده و تا ۱۲۴۸ و ۱۲۸۴ نشانه آن هست.^{۱۲} بلکه امروز هم باید نشانی از آن باشد.

۸- تذکره شاه تهماسب ص ۳۰.

۹- نیز تاریخ سلاطین صفوی و افشار نسخه ش ۱۵۵۵ کتابخانه ملی ص ۲۸.

۱۰- تذکره شاه تهماسب ص ۱۵ و ۲۳ و ۳۰ و ۶۱.

۱۱- سفرنامه کمپفر ص ۲۰۵ ترجمه فارسی

۱۲- مطلع الشمس ۲۲۲:۳.

شاه تهماسب در سال ۹۳۰ صدارت را به میر قوام حسین (حسن) نقیب قاضی اصفهانی و امیر جمال الدین محمد صدر استرآبادی شیرنگی داده و پسر از این اصفهانی در آن مستقل گردیده بود. او در سال ۹۳۴ صدارت را به امیر نعمه الله حلی و همان امیر قوام الدین حسین نقیب داده و هردو را در آن انباز کرده است.

قوام الدین در ۹۳۵ در ابهر درگذشته بود و او امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی درگذشته ۹۴۸ را در صدارت با او انباز نموده بود. پس از مرگ امیر نعمه الله حلی (گویا در ۹۳۶) صدارت تنها بادشتکی بوده است در همین سال ۹۳۶ بود که میان دشتکی و شیخ علی بن عبدالعالی کرکی مجتهد الزمان درگذشته روز دوشنبه ۱۸ ذح ۹۴۰ در نجف مباحثات علمی در گرفت و شاه پس از سرسختی و عنادی که دشتکی در برابر کرکی آشکار داشته و برتری او را نپذیرفته بود حق را به کرکی داده بوده است.

کرکی و دشتکی در آغاز باهم قرار داده بودند که او نزد دشتکی شرح تجرید قوشچی و وی نزد کرکی قواعد حلی بخواند.^{۱۳}

دشتکی فیلسوف پس از هشت یا نه سال صدارت (۹۳۵-۹۴۴) به دستور شاه تهماسب گویا به انگیزه کرکی از این کار برکنار شد و بجایش امیر معز الدین محمد فیضی نقیب فقیه اصفهانی درگذشته ۹۵۲ به صدارت رسیده و هفت سالی (۹۴۴-۹۵۱) صدارت کرده است. او بدعتها را برداشته و شرع را رواج داده شیرخانه‌ها و می‌خانه‌ها و دارالفسقه را ویران کرده و منکرات را از میان برده و آلات لهو و قمار را بشکست و فاسقان و فاجران و تبه‌کاران و ملحدان را شکنج ورنج داده است.

۱۳- تذکره شاه تهماسب ص ۱۴ تا ۱۷ - احسن التواریخ ۱۹۰ و ۲۵۳ و ۲۰۴ - تحفه

خودِ کرکی هم شعائرِ اسلامی را برپای میداشت و اماکنِ فساد را ویران میکرد و خود را در حکومت دخالت میداده است^{۱۴}.

درو قایع السنین خاتون آبادی و عالم آرای عباسی صدور و وزراء شاه اسماعیل و شاه تهماسب چنین بر شمرده شده است:

سال ۹۰۶: ملا شمس الدین گیلانی.

سال ۹۰۹: همو با شرکت قاضی محمد کاشی امیر.

سال ۹۱۵: کشته شدن قاضی محمد کاشی صدر وزیر اعظم و نشستن

میرسید شریف بجای او.

سال ۹۱۷: میرسید شریف به زیارت مشهد رفته و بجایش میر

ظهیر الدین عبدالباقی صدر شده است.

سال ۹۱۹: عبدالباقی را برداشتند و میرسید شریف صدر شد.

سال ۹۲۰: میرسید شریف در جنگ چالدران کشته شده و بجایش

میر جمال الدین محمد استرآبادی صدر شد. سپس میر قوام الدین حسینی

را با او شریک کردند و خواسته بودند که میر غیاث الدین منصور را با همین

استرآبادی شریک سازند و سرنگرفت.

سال ۹۳۰: در سال جلوس شاه تهماسب همان میر قوام الدین حسینی

با شراکت همین استرآبادی صدر بوده است و پس از مرگ استرآبادی میر

نعمة الله حلی با او شریک شده و پس از مرگ قوام الدین میر غیاث الدین منصور

شیرازی دشتکی با حلی در صدارت شرکت داده شده است. حلی هم با

مخالفت شیخ علی کرکی و موافقت شیخ قطیفی دشمن کرکی روبرو شده و

و معزول گشته و دشتکی کار صدارت را پذیرفت.

۱۴- تحفه سامی ۳۳ - خلاصه التواریخ قمی م ۱۲۰ - احسن التواریخ ص ۳۱۲ و ۳۰۴.

سال ۹۳۸: میان او و کرکی هم نزد شاه گفتگویی شده و کار به دشمنی کشیده بود. شاه از کرکی رعایت کرده او را عزل نمود و او به شیراز رفت، صدارت را به دلخواه کرکی به میر معزالدین محمد اصفهانی داده اند و او هشت سالی صدارت کرد و عزل شد. در همین سالها میر ابوالولی انجو از کار خویش برکنار شد و بجایش میر معزالدین محمد اصفهانی نشست.

سال ۹۴۲: پس از عزل همین اصفهانی میر اسدالله بن میر عیسی مرعشی صدر شده است. پس از مرگ او شاه تقی الدین محمد اصفهانی صدر شد. پس از عزل او صدارت میانه محمد یوسف استرآبادی و میرسید علی پسر امیر اسدالله بن میر عیسی مرعشی قرار گرفت. امیر غیاث الدین محمد میرمیران برادر همان شاه تقی الدین محمد اصفهانی هم صدر شده و تا مرگ شاه تهماسب صدر بوده است.

شاه تهماسب در سال ۹۶۳ که از هرات به مشهد رضوی رفته بود پس از زیارت مرقد رضوی سوی چهارباغ شده در آنجا چند روزی درنگ نمود. او روزهای هفته را در آنجا برای خود چنین قسمت نمود که پس از زیارت سه روز از دیوان پرسش نماید و به کارهای آن بازرگانی کند و از حالات ناتوانان و زیردستان آگاه گردد و امور ملکی را انجام دهد. دو روز دیگر را به کسب فضیلت و کمال پردازد و شعر و خط و نقاشی و هنرها و کارهای دیگر را مشق و تمرین کند و با دانشمندان و فیلسوفان و شاعران و خوشنویسان و نقاشان همنشین باشد و روزهای دیگر را به گردش و سواری و قباق بازی و چوگان بازی پردازد.

در همین سال بود که او فرمان داده بود تا امیران دربار و سروران شهرها سوگند خورند که از مناهی توبت کردند و درباره این حکما و پروانهها فرستاده است. قاضی احمد قمی در خلاصة التواریخ پس از یادکردن این

مطالب نوشته است:

سلطان کشور دین تهماسب شاه عادل

سوگند داد و توبه خیل سپاه دین را

تاریخ توبه دادن شد «توبه نصوحا»

سیر الهی است این منکر مباش این را^{۱۵}

شاه تهماسب در نیلان نیل ۹۷۶ دستور داده بود که دانشمندان در

شهرها به ویژه در جماعت‌های نماز و جمعه‌ها مجالس‌های وعظ و انجمن‌های
پند و اندرز برگزار کنند.

خواجه عبدی بیگ نویدی شیرازی در تکملة الاخبار پس از یاد کردن

این دستور شعری آورده است:

در این سال وعظ و آیین وعظ به فرمان شاه ملانك فته

به اسلوب تاریخ بنگر که وعظ بود ست و سبعین و تسعمائه

او بازمی نویسد که چهل سال است که شاه تهماسب «توبه نصوحا»

کرده و پیروان او هم گرد مناهی نمی گردند.

این کتاب گویا در ۱۹۹۷ ساخته شده است. تاریخ توبت او بایستی سال

۹۵۷ باشد.^{۱۶}

رتال جامع علوم انسانی

توبت و پرهیزکاری شاه تهماسب موجب این شد که ارباب طرب

و خوانندگان و گویندگان و خنیاگران را که نزد پیروان شریعت بی ارزش

بوده‌اند در دیوان و دربار پادشاه و شاهزادگان و نزد بزرگان و گرانمایگان

۱۵- خلاصة التواریخ برگه ۱۴۶ و ۱۴۷ نسخه عکسی شماره ۵۵۶۶ دانشگاه از فیلم شماره

۱۷۳۹ - احسن التواریخ ۳۹۶ - عالم آرای عباسی ص ۱۲۲ - در ایران شهر (ص ۸۰۱) تاریخ

توبه سال ۹۵۲ نوشته شده است.

۱۶- برگه ۶۶۸ و ۶۹۹ عکس ش ۴۶۲۶ از فیلم ش ۱۹۸۱ از تکملة الاخبار (ص ۵۸ فهرست).

هم آشکارا ارجی نماند. خود او گروهی از آنها را که از نزدیکان دربار بوده بیرون کرد و در پایان زندگی هم هرگز نمی گذارده است که شاهزادگان با آنان آمیزش کنند تا مبادا از جاده شریعت بیرون شوند.^{۱۷} داستان مولانا قاسم قانونی استاد سلطان ابراهیم میرزای جاهی را در گلستان هنر در سرگذشت همین شاهزاده (ص ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۳ و ۱۶۴ ترجمه انگلیسی) میخوانیم. با اینکه خود شاه تهماسب در فرمائی که به فرمانروای هرات فرستاده است دستور داده است که در پذیرایی همایون شاه هندی زنان رقص شهرها را به رقص وادارند.

باری این گروه ناگزیر شدند که از عراق راه حجاز پیش گیرند و برخی به زندان افتادند و نواختن جز در نقاره خانه که در آنجا سرنا می زدند روا نمی بود.^{۱۷}

شاه تهماسب در نقش و تصویر شاگرد استاد سلطان محمد و میرزین العابدین بوده و استاد بهزاد و همین سلطان محمد در نگارستان یا کتابخانه او کار می کرده اند. آقامیرك نقاش اصفهانی هم نشین او بوده و خود او سیاوش بیک نقاش را بر کشیده و این هنر را بدو می آموخته است. او با این دسته از هنروران آمیزش داشته و خود هم هنگام فراغ از کشورداری به مشق نقاشی می پرداخته است. در اواخر او را کمتر فرصت این کار دست میداد و استادان هم در گذشته بودند و ناگزیر او بدان کمتر روی می کرده است. از کارکنان نگارخانه یا کتابخانه هم آنها که زنده مانده بودند او آنها را مرخص کرده بود.^{۱۸}

در تاریخ داستانی پیدایش هنر نقش و تصویر در کتابها آورده اند که

۱۷- عالم آرای عباسی ص ۱۹۰ و ۲۰۹ - خلدبرین قزوینی پایان حدیقه دوم.

۱۸- تاریخ عالم آرای عباسی ص ۱۷۴ تا ۱۷۶ - خلد برین قزوینی.

امیر مؤمنان علی ابی طالب (ع) به این هنر می پرداخته و او رهبر و پیشرو این دسته است^{۱۹}. این داستان را گویا برای اینکه راه حلیت و روایی این هنر را نشان دهند ساخته اند با این وصف گویا در اثر نفوذ فقهاء تهماسب ناگزیر شده بود آن را کنار بگذارد و از آن بپرهیزد.

در لب التواریخ عبداللطیف قزوینی چنین آمده است: «شهنشاهی است که با وجود جمعیت اسباب سلطنت و کامرانی در حدائث سن و عنفوان جوانی يك لحظه ای اوقات قدسی ساعاتش به ملاحظت و ملامتی نگذشته بلکه روزگار سعادت آثارش بعد از ادای طاعت مفترضه صرف غم خواری جهانیان گشته» (ص ۲۶۱).

در روضه السلاطین فخری هروی ساخته ۹۵۸-۹۶۲ (ص ۷۰) چنین نوشته است:

«چگونگی بزرگواری آن حضرت بر همه عالم ظاهر است و از سلاطین کسی مثل او ضبط ملک پدر نکرده و مدت سی سال است که با دو سپاه کینه خواه مشرق و مغرب به جدال و قتال بسر برده. با وجود اشغال پادشاهی گاهی خاطر انورش میل به جانب اشعرط می فرماید و نظر التفات بدین طایفه مصروف داشته عنایت می نماید» در مجمع الخواص صادقی کتاب دار (ص ۸) آمده است:

«این پادشاه دلیر پنجاه و سه سال پادشاهی کرد و در نیمه نخستین آن بهر کشوری که روی می نمود کسی در برابرش نمی توانست ایستادگی کند و گرنه شکست می خورد. در نیمه دوم آن دشمنان هندی و رومی وی با پای خویش به درگاهش می شتافتند و بزرگان ترکستان و فرنگستان برای او ارمغانها می فرستادند به اندازه ای آمادگی و استعداد داشته است که

می توانست در تمام عمر سخنان موزون بگوید ولی کم می گفته است. استاد ما استاد مظفر علی نقاش شاهی نوۀ خواهر استاد بهزاد در هنرمندی پس از بهزاد شاگردِ او است و پرورده او .

در نسب نامه محمد شفیع اصفهانی (ش ۵۶۴۶ دانشگاه) و خلد برین قزوینی (برگ ۶۷ ر - ۸۴ ر نسخه ش ۲۵۲ مجلس) آمده است که شاه تهماسب در تبریز سی سال شهر یاری کرده و چون دیده بود که عثمانیان به شهر وان رسیدند و نزدیک پای تخت او هستند از آنجا به قزوین کوچید و بیست و سه سال در آنجا فرمان روابی نموده دولت خانه و باغ و بوستان بنیاد نهاد .

او به کارهای رعیت می پرداخت و عبادت خدای می کرد و شرع را زنده میداشت . بادانشمندان و پارسایان و رستگاران و هنرمندان آمیزش داشت و نیکو کار بود و در اندیشه رفاه مردم . قانونهای پسندیده و دستورهای سنجیده نهاد و بیست سالی راه سفر و گشت و گذار را بر خود بست . او فرموده بود که دیگر داروغه به شهرها نفرستند و در سال ۹۷۲ باج تمغارا بر انداخت . برای هر میلاد هر يك از چهارده معصوم نذر کرده بود که بنام يك يك آنها به سادات کمک کنند . سالانه نان تصدق میداد .

او از روی پرهیز کاری از فسق و فجور منع میکرد و امر به معروف و نهی از منکر می نمود . در بیست سالگی در ۹۳۹ توبه کرده و وجوه شراب - خانه و قمارخانه و بیت المال (؟) و بیت اللطف را از دفاتر بیرون ریخت . در اثر همین دیوانیان و درباریان نیز توبه کردند و او در سال ۹۶۳ همگان را توبه داده است .

او معرکه گیران و قصه خوانان را از کار لهو و لعب و بیهوده کاری بازداشت و نقاشان هنرمند کتابخانه شاهی را عذر خواست و گفت که سرخویش گیرید و خود کاری برگزینید باینکه خود او شاگرد سلطان محمد نقاش بود و

نگاه بان و تیماردار او و بهزاد. کسان دیگری هم مانند استاد مظفر علی و میر زین العابدین و صادق بیگ و عبدالجبار استرآبادی و سیاوش بیگ و شیخ محمد شیرازی و علی اصغر کاشی و میرزا محمد اصفهانی و حسن بغدادی و عبدالله شیرازی نقاش نگارخانه او بوده اند.

او در پایان زندگی خود یوسف غلام خاصه را که ثاٹ و نسخ خوب می نوشته به کتابداری گمارده است.

او موسیقاران و رامشگران را از دربار خویش راند و نگذارده بود که شاهزادگان از هنر آنها بهره برند و به غنا و موسیقی پردازند.

به خواب سخت پابند بود و در اثر احتیاط کاری پانصد تومان تریاق فاروق را از روی شبهه حرمت در آب روان ریخت.

در روضة الأنوار عباسی محمد باقر محقق سبزواری که بنام شاه عباس دوم ساخته است (چاپ سنگی ۱۲۸۴ ص ۱۷۷) آمده است که شاه تهماسب در معاش سبک بود و قانع و بی نوایان و تهی دستان و یتیمان در سایه او به آسودگی میزیستند. چنانکه صدر جهان طبسی^{۲۰} در کتاب خود که برای سلطان قطب شاه ساخته است آورده او در سال ۹۴۰ در شهر مشهد در اثر جذبه ای روحانی توبه نصوح کرده بود در همان سالی که از خراسان بسوی عراق میرفته است چون شنیده بود که رومیان بدان سوی آمده اند. ازان تاریخ تاکنون که نزدیک چهل سال است او در توبه خود پایدار

۲۰- لسان عنایت صدر جهان حسین بن روح الله حنی طبسی حیدرآبادی از نزدیکان دربار سلطان ابوالمظفر محمد قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۵۳) پادشاه گلکنده بوده و بنام او رساله سیدیہ درشکار دریک مقدمه و ده باب و یک خاتمه (فهرست نسخه های خطی فارسی ص ۴۳-۳۰۵۵ دیوان هند - ۴۸۳۶ دانشکاه تهران - ۶۲۱/۵ مجلس ۳۷۵:۲ فهرست) و بنام ابراهیم قطب شاه درگذشته ۹۸۸ ذخیره الجنة ساخته است. در ذریعه (۱۰۵:۱ و ۱۰۵:۵) آمده که سبزواری گویا از یکی از این دو کتاب بلکه از دومی این مطلب را گرفته باشد.

مانده و دیگران هم به پیروی از او توبه کرده‌اند .
 او فرموده بود که دیگر مردم شراب نخورند و از بنگ و بوزه و مانند
 اینها بپرهیزند و رعایا باید که در محاکم شرعی حضور یابند و توبه کنند و
 پنج اصل دین بیاموزند و فروع دینی فراگیرند .
 همگان از ته دل یا از ترس محتسب و داروغه چنین کردند و چون
 افزار و آلات فسق و تباهی و گناه را از میان برده بودند دیگر کسی را راه
 گناه گشوده نبود .

شاه اسماعیل نیز از ربودن مال و خواسته تپی دستار پشیمان شده
 بود و اموال آنان را بدانها بازگرداند و تمغای راهها و شهرها را برداشته
 بوده است .

در تاریخهای سالانه‌ای که برای دوران صفوی نوشته‌اند هم آمده است:

«توبه امراء از مناهی در مشهد مقدس در ۹۶۳» (مجله وحید ۸۶: ۲۱۱)

منشآت ش ۵۶۴۵ دانشگاه - منشآت کتابخانه ملی فیلم ۳۸۴۹ دانشگاه -

مطلع الشمس ۳: ۲۱۳-۲۱۶) .

در مطلع الشمس (۳: ۲۱۳-۲۱۶) سرگذشت سالانه شاه تهماسب آمده
 و گفته شده که او نخستین بار در ۹۳۹ از ملی گساری پشیمانی خورده و
 برگشته و شراب‌خانه و قمارخانه و بیت‌اللطف را بست و دوم بار در ۹۶۳ هم
 توبت کرده است (ص ۲۱۴ و ۲۱۵) .

در میان پنجره دوم و سوم اشکوب پایین رواق بقعه آستان شیخ صفی
 در اردبیل در سنگ مرمری میان قابی از کاشی معرق فرمانی از شاه تهماسب
 مورخ ذح ۹۳۲ نوشته شده و او در آن پاره‌ای از مالیات را بیاس مزار شیخ
 صفی از مردم اردبیل برداشته و یادی از توبه نصوح خود کرده و به این
 مناسبت دستور داده است که هرگز نباید در آنجا شراب‌خانه و بنج‌خانه و

معجون خانه و بوزه خانه و بیت اللطف و قمارخانه ای باشد و نباید به قوالی و کبوتربازی بپردازند مالیات این مواضع را باید از دفاتر بردارند و ریش تراشیدن و طنبورزدن و نردباختن و تعزیت (؟) و خدمت امردان در گرمابه ها و دیگر گناهان درانجا ممنوع است .

(تاریخچه فرهنگ شهرستان اردبیل چاپ ۱۳۲۸ خ ص ۷۳ - تاریخ اردبیل و دانشمندان از فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی چاپ ۱۳۴۷ خ ۱۳۸۸ ق ۱: ۳۲۲) .

شاه تهماسب در سال ۹۵۷ ضریح و محجری چوبی بامیله های آهن که روی آن ورقه نقره ای پوشانده شده بود در آستان رضوی گذارده و در سر چوبی از این محجر نام شاه و تاریخ نوشته بوده است. اکنون آن را برداشته اند (راهنمای تاریخ آستان قدس رضوی ص ۸۸) .

صفه یا ایوان و شاه نشین تهماسبی که تاریخهای ۵۱۲ و ۶۱۲ و ۲ ج ۲ / ۷۶ در آن دیده میشود در آستان رضوی هست (نامه آستان قدس ش ۲۰ ص ۱۱۲ - همان راهنما ص ۶۴ و ۶۸ و ۷۲) .

پس از ظهور صفویه تاروزگار قاجار گویا هیچیک از پادشاهان ایران به زیارت خانه خدای نرفته اند و درباریان و شاهزادگان بوده اند که گاهی توفیق سفر حج می یافته اند آنها هم گاهی به دست دشمنان کشته میشوند از درباریان صفوی معصوم بیک صفوی رضوی و کیل شاه دین پناه تهماسب بوده است که در ۹۷۶ به دوشهر مکه و مدینه به زیارت رفته بود و به دست رومیان عثمانی کشته شده است و آنان آوازه انداختند که راه زنان و حرامیان او را کشته اند و سلطان سلیم از طرف خود علی آقاسی و چاوش باشی را به درگاه تهماسب فرستاده بود تا عذرخواهی کند و او هم آن دو را نواخته

به روم بازگرداند^{۲۱}.

درسرگذشت غازان خان (۶۷۰-۷۰۳) نوشته اند که پس از بت پرستی ناگاه از فیض لطف الهی نور هدایت به سینه او فرو آمد و او پای در دایره اسلام نهاد و با روشنایی و دانشی که حق بدو داده از بت پرستی رهید و دیگر هرگز به هیچ حرام نرسید و خیانتی نوزید و طهارت نفس او مانند زر بی غش بود و دیگران را هم از فسق و فجور بازداشت و در این باره حکم یرلیغ فرمود و کسی را که خلاف می نمود یاساق سیاست می کرده است^{۲۲}.

امیر مبارزالدین محمد اینجوی شیرازی یزدی (۷۰۰-۷۶۵) فرمان-روای میبد و یزد و کرمان و فارس که مردی درشت خوی و نادان بوده است از میخوارگی و تبه کاری پشیمان شده و توبه کرده و با یکی از بازماندگان عباسی بیعت نموده و دنبال موی پیامبر خدای بهیم کرمان رفته بود و با مفلون بت پرست زاده جنگیده و به فتوای فقیهان غازی اسلام شده بوده است. او یک بار دیگر هم در سال ۷۵۲ توبه کرده و پیاده به مسجد رفته و دارالسیاده و تکیه و مسجد ساخته و امر به معروف و نهی از منکر کرده و خم شکسته و نزدیک ۷۶۰ یک دو سالی در فارس و کرمان و یزد صفاهان پیش از سه چهار هزار مجلد کتاب فلسفی را به آب شسته است. هموست که محتسب خوانده اند اش و همو بود که در هنگام خواندن قرآن سزای را بریده و دوباره به خواندن آن پرداخته است^{۲۳}.

می توان گفت که شاه تهماسب مانند این دو پادشاه رفتار کرده و از گناهان

۲۱- احسن التواریخ روملو ص ۴۴۳- تاریخ عالم آرای عباسی ص ۱۶۱ - منشآت ش ۵۶۴

دانشگاه - منشآت ملی فیلم ۳۸۴۹ دانشگاه - ذریعه ۱۰۷۵:۹ - وحید ۲۱۱:۸۶ .

۲۲- تاریخ مبارک غازانی قسم سوم حکایت یکم و دوم (ص ۱۶۶ و ۱۷۴ چاپ کارلینان) .

۲۳- دیباچه انجوی بردیوان حافظ ص ۷۳- گفتار من در راه نمای کتاب در زمستان

توبه نموده است .

شاه تهماسب و نقاشی

در احسن التواریخ روملو (ص ۴۸۸ چاپ ۱۹۳۱ کلکته) چنین آمده است: «در اوائل شباب به خط نوشتن و نقاشی میلی تمام داشت بعد از آن به خرهای مصری سوار میشد و به هم سنان بازی میکرد . بنابراین خرها را با زینهای طلا و جلهای زربفت می گردانیدند، به واسطه آن بوق العشق^{۲۴} این بیتها را گفته:

بی تکلف خوش ترقی کرده اند
کاتب و نقاش و قزوینی و خر
در ایام کهولت از صباح تا رواج دفتر را پیش گذاشته در کار ملکی
می پرداخت . به مجموع مهمات خود میرسید چنانکه و کلا، و وزراء بی اذن
آن حضرت فلوس به کسی نمیدادند و قاعده آن حضرت آن بود که یک روز
ناخن می گرفت و یک روز دیگر صباح تا شام در حمام می بودی . اکثر اشیاء را
نجس می دانست و نیم خورده خود را به آب و آتش میریخت . در مجالس
طعام نمی خورد . *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
در نخوردن شراب غلوی عظیم داشت و قریب پانصد تومان تریاق

۲۴- در ذریعه (۱۴۲:۹) و فرهنگ سخنوران (ص ۹۴) آمده است که بوق العیش (۱)
شاعری است که شاه تهماسب را هجو نموده است (تاریخ ادبیات براون ۸۷:۴) این بیت در
گلستان هنر هم در سرگذشت شاه تهماسب آمده است و نام در آنجا شاعر منوف (گویا: بوق)
دامغانی است و شعر درباره قاضی جهان است که گویا همان میرصدرالدین محمد قاضی جهان
خوشنویس زمان شاه تهماسب باشد که او وی را پس از سوزاندن خواجه جلال الدین محمد
خواندامیر تبریزی ناظر دیوان و امیر قوام الدین حسین اصفهانی را با جلال الدین محمد
استرابادی باهم صدر کرده است (خلدبرین قزوینی ش ۲۵۲ مجلس برگه ۹۹-تذکره شاه
تهماسب ص ۹) .

فاروق به آب حل کرد و جمیع لذات را ترك کرده بود و قرب بیست سال سوار نشده بود.^{۲۵}

«شاه تهماسب حسینی» برای میر صدرالدین قاضی جهان خوش نویس (ک ۹۹ ر ش ۲۵۲ مجلس از خلد برین قزوینی) در تبریز به سال ۹۳۱ در دو آزرده سالگی خود نسخه از گوی و چوگان یا حال نامه محمود عارفی هروی را به خط خود نوشته است.^{۲۶} این نسخه اکنون در کتابخانه عمومی لنینگراد (شماره CDXLI فهرست درن) هست در ۶۱ برگ ۲۹×۱۹ دارای بیست مجلس تصویر و شاه عباس آن را در ۱۰۲۲ بر آستانه شیخ صفی وقف کرده است و فیلم آن در دانشگاه نگاهداری میشود.

(فهرست فیلمها ص ۱۷۳ - فهرست نمایشگاه هنر تیموری سمرقند در ۱۹۶۹ ص ۵۰ - نقاشی های صفوی سیچوکین ۱۴ - خوشنویسان بیانی ۳۳۵).

عکس صفحه آخر این نسخه دو نمونه خطوط ایرانی سده ۱۵-۱۹ چاپ ۱۹۶۳ مسکو (ش ۲۶) و عکس چهار تصویر آن که دوتای نخستین آنها رنگی است در نقاشی ایرانی سده ۱۴-۱۷ چاپ ۱۹۶۸ مسکو (ش ۳۰-۳۳) دیده میشود.

از همین نسخه است که گویا در طومار گنجینه شیخ صفی چاپ ۱۳۴۸ تبریز ص ۳۴ وصف شده است.

۲۵ - این بند در شاه عباس فلسفی ۱۶۰۱ هم آمده است. سیچوکین در نقاشی های نسخه های صفوی (ص ۱۲) هم این بند را به فرانسه در آورده است. در خلد برین (ش ۲۵۲ مجلس) هم این مطالب آمده و از «بوق العشق» و شعرا و یاد شده است.

۲۶ - از کارنامه یا گوی و چوگان که گونا بادی به دستور او در ۹۴۷ سروده است گویا بر می آید که او سخت شیفته این بازی بوده است.

در گلستان هنر قاضی احمد قمی چنین آمده است که ابوالبقاء سلطان شاه تهماسب انارالله برهانه به صنعت نقاشی که شجره آن به حضرت شاه ولایت پناه (ع) میرسیده و چهره گشایان پیکر این فن بدیع و نسبت این هنر را به قلم علی (ع) درست می نمایند و نسخه ای هم دیده شده است که او دران «کتبه و ذهبه علی بن ابی طالب» نوشته است میل و توجه تمام داشته است و در این فن استاد روزگار و مهندس آثار بوده است. او در آغاز به مشق خط نستعلیق و مشق تصویر رغبت داشته و اوقات دران صرف می کرده و استاد بی بدل گشته و در طراحی و چهره گشایی بر همه نقاشان فائق آمده بود. تصویر و کار او بسیار و یک دو مجلس در ایوان چهل ستون قزوین هست که از آنها است مجلس یوسف و زلیخا و نارنج بری خواتین مصر و زنان و دران صفحه این بیت مسطور است:

مصریان سنگ ملامت بر زلیخا میزدند

حسن یوسف تیغ گشت و دست ایشان را برید

و در پایین ایوان بر جانب غرب چسبانیده اند. و دران اوان که او نقاشان و خوشنویسان و کاتبان را مقرب ساخته بود و این جماعت تقرب تمام داشتند و کارشان به درجه اعلی رسیده بود و در کتابخانه همایون جمعیت تمام بوده است در باغچه شهر تبریز بر الاغهای مصری سوار می شده سیر می فرمود و قاضی جهان وکیل قزوینی که روزگارش در دربار او بالا گرفته بود با گروه خرسواران گرد می آمده است. بدین مناسبت بود که مولانا منوف (؟) دامغانی (همان «بوق العشق» احسن التواریخ) گفته است:

بی تکلف خوش ترقی کرده اند کاتب [و] نقاش و قزوینی و خر

در مجمع الإنشاء حیدر بن ابی القاسم ایواغلی فرمانی است با عنوان «پروانچه ملاحسن مذهب پسر قوام الدین بغدادی به مسوده قاضی نورالله»

که در آن ریاست و سروری مذهببان و مجلّدان و کاتبان و نقاشان و طلاکوبان و کاغذ فروشان تبریز را بدو داده است.

صادقی در مجمع الخواص (ص ۲۵۷) و قاضی احمد قمی در گلستان هنر (ص ۱۶۸) سرگذشت او را آورده اند و صادق از او بدگفته ولی قمی از طلاکاری او در آستانه حسینی کربلا ستوده است.

تاریخ این فرمان در مجمع الإنشاء (نسخه ش ۶۰۶ مجلس ص ۱۳۳-۱۳۶) ۲۷ «شعبان ثلاث و عشرین و تسع مائه» آمده است. در همین فرمان از طلاکاری او در آستانه حسینی کربلا یاد شده و سپس این شعرها آمده است:

بود چون توفیق نقاشِ ازل شد تمام این طرح و نقش از کلك من
خواستم از هاتمی تاریخ گفت نقش کرد این قبه زیبا احسن
که از همین حسن مذهب بقدادی است و در کتیبه آنجا آمده است. همچنین
در همین فرمان در مجمع الإنشاء به شعر:
حسن به گردِ درت گشته بر طریقِ طواف
تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده

تمثل جسته شده است پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این ماده تاریخ با سال ۹۸۰ برابر است و با تاریخ ۹۲۳ که شاه تهماسب گویا سه یا چهار ساله بوده نمی سازد. نوایی در «شاه تهماسب صفوی، اسناد و مکاتبات تاریخی» (چاپ ۱۳۵۰ ص ۲۴۰) «ثلاث و ثمانین و تسع مائة» نوشته است نمیدانم از کجا گرفته باینکه مدرک او نسخه مجلس است. کسی در هامش نسخه مجلس نوشته است که این فرمان از شاه اسماعیل است و تاریخ ۹۲۳ درست است، باز نوشته که ماده تاریخ ۹۷۷ است (!؟) ولی با تاریخ

۲۷- فهرست مجلس ۳۶۱:۲ - فیلم ۲۳۲۴ دانشگاه برگ ۷۳ و ۷۴ عکس ص ۲۵۱ فهرست

فرمان نمی‌سازد. این فرمان در مجمع‌الإنشاء نسخه آقای قریب در دانش-سرای عالی (ش ۱۲۳ نشریه ۶۳۵:۵، فیلم ۳۲۲۳ دانشگاه) و کتابخانه ملی (ش ۱۰۷۱) نیست و در نسخه بیانی (فیلم ۲۷۲۲ دانشگاه ص ۹۶ ش ۳۹ برگ ۱۰۵ و ۱۰۶ عکس) تاریخ ندارد. در نسخه ش ۲۱ ب ادبیات تهران ص ۶۵ و ۶۶ هم این فرمان هست بی تاریخ.

در گلستان هنر (دو نسخه تبریز و هند و ص ۱۸۹ ترجمه انگلیسی) آمده است که «استاد حسن مذهب بغدادی الاصل است (بود) در تبریز نشوونما یافته و در فن تذهیب بی بدل زمان خود بوده زینت آستانه مقدسه امام شهید مظلوم ابی عبدالله الحسین (امام همام خامس آل عبا سید الشهداء اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه) نموده فی الواقع دران کار ید بیضاء نموده و بنا انقراض زمانه (الی انقراض الزمان و ایام ظهور مظهر موعود) منظور عالمیان خواهد بود».

در تاریخ عالم آرای عباسی و خلدبرین قزوینی آمده است که او در تذهیب مانند داشته و در «اواخر ایام شاه جنت مکان او را گیرانیده همواره تهدید قطع ید او می نمود» ولی چون گنبد حسینی کربلارا آرایش و زیب داده بود او را بخشیده و او هم توبه کرده بود. او در زمان اسماعیل میرزا از کارکنان کتابخانه او شده بود.

چنانکه کلمنت هوارت در کتاب خود (ص ۳۳۹ و ۳۴۲) و عالی در مناقب هنروران (ص ۶۷ و ۶۸) نوشته اند او رهبر و سرور کارگاه شاه تهماسب بوده و در آغاز شاگرد محمد قمطانا و به گفته ای شاگرد سیاوش.

از حسن علی مذهب هم یاد کرده اند (حالات هنروران چاپ فکری سلجوقی ص ۱۹ و ۱۰۳) ولی سچو کین در نقاشی صفوی (ص ۳۴) او را با حسن مذهب یکی میدانند.

در گلستان هنر (دو نسخه تبریز و هند و ص ۱۸۶ ترجمه انگلیسی) آمده است که: آقا حسن نقاش از هرات بود و در نقاشی بی بدل روزگار افتاده. اندرون روضه مقدسه مطهره عرش منزله رضیه رضویه علی مشرفها و ساکنها الف الف صلوة و سلام و تحية را وی به فرموده مرحوم محمدخان شرف الدین اغلی تکلو^{۲۸} نقاشی نموده و این بیت (میر حسن دهلوی) را مناسب احوال و حسب حال در برابر ضریح مبارک بر بالای محراب نوشته بود (مناسب احوال خود در آنجا نوشته، شعر):

حسن به گردِ درت گشته بر طریق طواف

تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده^{۲۹}

فوتش در دار السلطنه هرات در جنب مزار پیر هرات در گازرگار در خانه پر نقش و نگار مدفون است .

قاسم بن علی خوش نویس چهره گشای هنرمند در ۹۳۲ نسخه از احسن الکبار فی معرفة الأئمة الأطهار محمد بن ابی زید بن عرب شاه بن ابی زید حسینی علوی و رامینی را تصویر کرده است. این نسخه در کتابخانه شیخ صفی الدین در اردبیل بوده و گویا از همین کتاب است که در طومار گنجینه شیخ صفی چاپ ۱۳۴۸ تبریز (ص ۳۹) بنام «تاریخ ائمه معصومین» یاد شده و از دو نسخه مصور که شاید یکی از آن دو همین نسخه نوشته قاسم بن علی باشد و سه نسخه آراسته آن رویهم پنج نسخه از آن وصف شده است .

گویا قاسم بن میر علی نویسنده پنج گنج یا خمسة نظامی در نسخه ای با جدول و تصویر که در همان طومار (ص ۲۷) از آن یاد شده است همین قاسم بن علی ما باشد .

قاضی احمد قمی در گلستان هنر (ص ۱۵۷ متن فارسی و ص ۱۷۹ ترجمه

۲۸- او در ۹۶۴ مرده است (مینورسکی) . ۲۹- این بیت از میر حسن دهلوی است .

انگلیسی) سرگذشت او را آورده ولی دوست محمد بخاری در دیباچه مرقع بهرام میرزا از او یادی نکرده است مگر اینکه در حواشی فکری سلجوقی بر این رساله در چاپ ۱۳۴۹ کامل (ص ۱۰۳) سرگذشت او هست .

سچوکین در نقاشی‌های صفوی (ص ۳۲ و ۳۶ و ۴۰) از او نام برده است . باری این نسخه مصور نوشته قاسم بن علی اکنون در کتابخانه عمومی لنینگراد است و به شماره ۳۱۲ در فهرست درن Dom وصف شده است . تصویرهای آن به روش هرات است . یک تصویر رنگی آن در کتاب نقاشی‌های ایران در سده ۱۴-۱۷ به روسی چاپ ۱۹۶۸ مسکو (ص ۳۶ ش ۳۵) دیده میشود . در بالای تصویر کتیبه ایست به نسخ خود قاسم که دران از شاه تهماسب ستایش شده و تاریخ ذح ۹۳۲ و نام قاسم بن علی دران نوشته شده است . تصویر سیاه قلمی از همین نسخه در همین کتاب (ش ۳۶) نیز دیده میشود .

این نسخه (ش ۳۱۲ درن) چنانکه در همین کتاب یاد شده (ص ۲۱) و در فهرست نمایشگاه هنر تیموری شهر سمرقند سال ۱۹۶۹ (ص ۴۹) آمده است در ۵۰۸ برگ است به اندازه ۲۶×۳۸ و نوشته خضرشاه گویا همان استرآبادی درگذشته ۸۹۶ (بیانی ص ۱۷۵) به خط نستعلیق در ۴/۱۶ ۸۳۷ و نقش و مجلس مینیاتور برگ ۳۷۳ است که خط قاسم بن علی و تاریخ ذح ۹۳۲ دارد . رویهم دران ۳۹ مجلس نقاشی است که چهارتای آن پس از ۸۳۷ گویا در ۹۳۲ کشیده شده که باید از همین قاسم باشد .

از این کتاب نسخه دیگری هم مصور در همان کتابخانه (ش ۳۱۳ درن) هست و نسخه ای دیگر به شماره ۵۷۳ در دیوان هند دارای دوازده باب نخستین آن و دو نسخه در کاخ گلستان تهران یکی ش ۲۷۲۹ دیگری ش ۱۶۴۰ در ۷۸ برگ و کامل بایک سرلوح و به خط نستعلیق غیاث الدین بن علاء الدین کازرونی

در ۹۷۴ و دو نسخه در کتابخانه ملی ملک تهران یکی ش ۲۷۵۲ از سده ۱۱ در ۴۲۶ برگ دومی ش ۴۱۵۹ به نستعلیق خضر شاه کاتب خاصه در ۵ رمضان ۹۴۸ (آغازش افتاده) که باید جز خضر شاه نویسنده نسخه ش ۳۱۲ لنینگراد باشد مگر اینکه بگوییم در تاریخ نسخه درن و تاریخ مرگ خضر شاه اشتباهی رخ داده و باید ۹۳۷ و ۹۹۶ باشد و یا اینکه تاریخ نسخه ملک ۸۴۸ است نه ۹۴۸.

در این کتاب چنین آمده است:

«چنانکه مصنف این رساله محمد بن ابی زید مراجعت کرده بود از سلطانیه به اصفهان و از اصفهان به فیروزان در سال سنه ثمان و عشرون و سبع مائه از هجرت که مقیم فیروزان شد محب و موالی بود الا اندکی بیست نفر نمی رسید و این زمان که سال سنه تسع و ثلاثین و سبع مائه که بنیاد این رساله نهاد به قرب هزار مؤمن و موالی هست» (آغاز باب ۵ دلیل یازدهم برگ ۴۰ و نسخه ش ۴۱۵۹ ملک).

پس ورامینی آن را در ۷۳۹ گویا در فیروزان ساخته است.

این کتاب در سرگذشت پیشوایان شیعی است در ۷۸ باب به فارسی

شیوا.

در بیان الأدیان ابوالمعالی (ص ۵ چاپ اقبال) از احسن الکبار یاد شده است و میدانیم که آن در پایان سده پنجم یا آغاز سده ششم و گویا در ۴۸۵ ساخته شده و احسن الکبار ورامینی در ۷۳۹ پس نبایستی از این کتاب ما یاد کرده باشد مگر اینکه این عبارت در بیان الأدیان افزوده نویسنده آن نسخه ها باشد چنانکه در حاصل الحیات (فیلم ش ۳۵۲۵ دانشگاه) نسخه از بیان الأدیان هست و چنین عبارتی در آن نیست بلکه مطالبی دیگر افزوده دارد

که در اصل نسخه چاپ اقبال نبوده است .
 شاه محمود نیشابوری شاهی زرین قلم خوشنویس نقاش که همواره با شاه تهماسب بوده و در کتابخانه پادشاهی با دیگر هنرمندان و نویسندگان کار میکرده است برای او در تبریز نسخه‌ای از پنج گنج یا خمسه نظامی در چهار سال نوشته و آراسته و در ج ۲/۹۴۶ تا ع ۱/۹۴۷ تا ذح ۹۴۹ بدان می‌پرداخته است. در این نسخه شش سر لوح است و چهارده تصویر دوتا از میرزا علی و دوتا از سلطان محمد و یکی از میر سید علی و چهارتا از آقامیرزا علی میرگ نقاش و یکی از مظفر علی و یکی از میر مصور و سه تا بی نام و رقم رویهم میشود چهارده تا با سه تصویر و مجلس دیگر نوتر از محمد زمان نقاش که در ایتالیا درس خوانده بود و مورخ ۱۰۸۶ است. در روی جلد آن مجلس شکار فتح علی شاه است و در باریان او و در کنار آن قصیده ایست از محمد باقر. این نسخه به شماره Or 2265 در موزه بریتانیا نگاهداری میشود .
 روبینس در نقاشی ایرانی در کتابخانه‌ها و موزه‌های بریتانیایی به انگلیسی (ش ۳۹ ص ۵۵) و سچو کین در نقاشی دوران صفوی به فرانسه (ص ۶۹ ش ۲۰) و ریو در فهرست موزه بریتانیا (ص ۱۰۷۲) آن را وصف کرده‌اند. در راهنمای کتاب (۱۳: ۴۰۳ و ۱۴: ۲۳۶) و در سرگذشت خوشنویسان بیانی نیز از آن یاد شده است .

نام شاه تهماسب در بالا در کتیبه مجلس نهم با امضای میرک (گ ۶۰ پ) آمده و در این مجلس شاهزاده ایست جوان در غرفه‌ای روی کرسی زیر سایبان همراه با چند کس که گرداگردش ایستاده یا نشسته‌اند و نوکری برای او

۳۰- دیباچه بیان‌الادبایان چاپ اقبال - یادداشتهای قزوینی ۲۵:۱ - ذریعه ۲۸۸:۱ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۸۷۲ - استوری ۲۱۱:۱ و ۱۲۶۱ - نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۱۵۷:۱ فهرست فارسی ملک ص ۱۰ - خوشنویسان بیانی ۵۵۸ .

خوردنی و نوشیدنی میآورد و بازی نیز در دست کسی است. نگاهبانان هم روی زمین باغ روبروی او با موسیقی و خنیاگری جشن گرفته‌اند.
(شعر نظامی بینون لوح رنگین ۹-مارتین لوح ۱۳۵)

شاه محمود نیشابوری خوشنویس نقاش درج ۲/۹۴۶ تا دج ۹۴۹ برای شاه تهماسب در شهر تبریز پنج گنج نظامی نوشته و آن نسخه ایست آراسته و دارای چهارده مجلس تصویر کهن از سلطان محمد و میرزا علی میرک و میر مصور و میر سید علی و مظفر علی که نام شاه در یکی از این مجالسها (برگ ۶۰ پ) هست سه تصویر دیگر نیز در آن دیده میشود که از سده یازدهم است از محمد زمان. این نسخه در موزه بریتانیا نگاهداری میشود به شماره Or 2265 (سچو کین در نقاشی های صفوی ص ۶۹ ش ۲۰ - روینسن در نقاشی ایرانی ص ۵۵ ش ۱۳۹).

در گلستان هنر قاضی احمد قمی (متن فارسی و ترجمه انگلیسی ص ۱۸۴) آمده است که مولانا نظیری قمی نقاشی بی بدل بوده و در اوایل در خدمت کاتبان و نقاشان کتابخانه همایون شاه عالمیان جنت مکان علین آشیان در ایام تقرب و عزت نقاشان او و خواش تویشکان بسر می برده و در آخر کلیددار کتابخانه عامره گشته و با شاه رضوان جایگاه (پناه) مصاحب بوده و با يك دیگر مشق تصویر او تحریر خط می نموده‌اند.

مولانا نظیری شعر را هم خوب می گفته این مطاع محققانه حسب حال از او است (از وی سر زده)، شعر:

عشق بت صورت گری افگند شوری در سرم

خلقی به صورت عاشق و من عاشق صورت گرم

در تحفه سامی (ص ۷۴ و ۵۸ چاپ همایون فرخ) آمده است:

امیر نظام الدین نخست کلیددار کتابخانه شاه تهماسب بوده است.

سید آقامیرك نقاش اصفهانی که در طراحی و تصویر نادره‌زمان است اکنون (۹۵۷-۹۶۸) در خدمت صاحب قران (شاه تهماسب) پیشوا و مقتدای این طایفه است.

نصیرالدین محمد همایون فرزند بابر شاه در سال ۹۵۰ که از هند به عراق به دربار شاه تهماسب آمده بود بدو گفته بود که میر مصور را بمن بدهید و من هزار تومان پیشکش از هندوستان میفرستم. پسر او که از پدر هنرمندتر بوده است پیش از او به هند رفته و در آنجا در گذشته و پدر و پسر هر دو به زمین سیاه هند فرورفته‌اند.^{۳۱}

سرگذشت آقامیرك نقاش اصفهانی در خلدبرین هم هست و نزدیک است به آنچه که در تاریخ عالم آرای عباسی (۱۷۴) دیده میشود.

خواجه عبدالعزیز اصفهانی پسر خواجه عبدالوهاب کاشانی تصویر را از شاه تهماسب آموخته و از نزدیکان او بوده است (گلستان هنر- مناقب هنروران عالی ص ۶۷- کلمنت هوارت ص ۳۳۴ و ۳۳۶).

در نسخه تبریز از گلستان هنر آمده است که «میر حسن دهلوی شاگرد و دخترزاده استاد سلطان محمد بوده و در تذهیب و تصویر و نقاشی از دیگران کمی نداشته و در کارخانه شاهی در همه عمر به کار نقاشی و خدمت کاری ترتیب تاج نقاشی و سایر ضروف ریاست مجلس پادشاهی می پرداخته و مواجب و انعامات داشته است. در نسخه هندی چنانکه خواهیم دید بجای آن نام «میرزین العابدین تبریزی» آمده و همین درست است.

میر حسن دهلوی گوینده بیت:

حسن به گرد درت گشته بر طریق طواف تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده

۳۱- بنکرید به: اکبرنامه ناگوری چاپ ۱۸۷۷ کلکته ۲۰:۱- مرآة البلدان ناصری ۴: ۳۵۰.

- فصل جام از کتاب آثار باستانی خراسان از عبدالحمید مولوی ص ۸۸ - مجمع الانشاء ابوالغلی

در پایان - احسن التواریخ ۲۰۸ - تحفة سامی ۲۲.

است. در نسخه هندی از گاستان هنر چنین یاد شده است:

میر زین العابدین تبریزی شاگرد و دختر زاده استاد سلطان محمد بود (یا بیره دختری او چنانکه در خلدبرین آمده است) و در تصویر و تذهیب و نقاشی از هیچکس کم نبود و در کارخانه شاهی به امر نقاشی اشتغال داشت و صاحب مواجب و انعام بود (نیز ترجمه انگلیسی ص ۱۸۷).

چنانکه در تاریخ عالم آرای عباسی (ص ۱۷۴) آمده است میر زین العابدین استاد شاه تهماسب بوده و نقاش مجلس ساز و مصور بی مانند و پاکیزه کار و چهره پرداز. شاگردانش کارخانه نقاشی دایر کرده بودند و او خود همیشه برای شاهزادگان و امیران و اعیان کار میکرده است و آنها ویرا گرامی میداشته اند و او از کارکنان کتابخانه ای که شاه اسماعیل دوم از نو بنیاد گذارده بود شده بود. در خلدبرین هم نزدیک به این هست.

در گاستان هنر آمده است که سیاوش بیک گرجستانی برده شاه تهماسب بوده و شاه او را از کودکی به نقاش خانه داده بود و او نزد مظفر علی شاگردی میکرده و در تصویر سرآمد روزگار شده و در آن زمان مانندی نداشته است ولی اکنون از این کار بازمانده و در شمار غلامان شاهی همراه هم شهربان خود در شیراز و در خدمت یساقها اقدام می نماید و نام نقاش بر او مانده و بدان کار نمی پردازد ولی در این هنر استاد است.

در تاریخ عالم آرای عباسی (ص ۱۷۶) و خلد برین قزوینی آمده است که چون شاه تهماسب او را قابل و مستعد دید نسب نقاشی به او داد و او شاگرد حسن علی مصور بوده و خود شاه هم به او هنر تصویر می آموخت. او نازک قلم و دقیقه کار و مصوری بی مانند بوده و سپاه و کوه پردازی او را، هیچک از استادان هم به دست نمی توانست گرفت. در زمان اسماعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شده بود. او و برادرش فرخ بیک در زمان شاه تهماسب و پس از اسماعیل میرزا از معتمدان حمزه میرزا بوده اند و هر دو در سایه

این خاندان در آسایش میزیستند تا زمان شاه عباس را هم دریافتند و درگذشتند.

در مناقب هنروران (ص ۶۴) و کتاب کلمنت هوارت (ص ۳۳۲) آمده است که: او شاگرد استاد حسن مذهب بود و پس از فرا گرفتن طلاکاری نسخه‌ها به نقاشی پرداخته و بدان بخوبی آشنا شده است. با تقلید از کارهای گزیده استادان در این هنر به کمال رسیده و خود هم در نقاشی اختراعی کرده است. نظام‌الملک دوست محمد گاهی فرزند سلیمان کوشوانی هروی کاتب شاهی شاعر عروضی معماران نقاش خوشنویس در نستعلیق و صحاف و قطاع و کتاب‌دار شاه‌زاده بهرام میرزا^{۳۲} که قطعه‌ای از او مورخ ۹۳۸ در هرات در مرقع سید احمد هست همچنین نسخه‌ای از قرآن خط او در موزه قم و نسخه‌ای از مجالس العشاق نوشته او در ۹۷۲ در مدرسه سپهسالار تهران (۵: ۵۰۴ ش ۲۷۱۵) و نسخه‌ای از مثنوی عطار نوشته او در کتابخانه عمومی لنینگراد هست.

شاه تهماسب همه خوشنویسان و نقاشان کتابخانه‌ها را بیرون کرده بود مگر او را که استاد خط شاه‌زاده سلطانم بوده است. در مرقع بهرام میرزا (ش ۱۷۲۱/۲۱۵۴) طوپ قپوسرای خزینه اوقاف) تصویری است با عنوان «کار خواب استاد محمد» که پیکره مرد پیری است بر عصایی تکیه داده.

دیباچه این مرقع، مورخ ۹۵۲ و از اوست. محمد عبدالله جفتایی آن را به نام حالات هنروران در ۱۹۳۶ در لاهور و فکری سلجوقی از روی آن با حواشی و شرح بنام «ذکر برخی خوشنویسان و هنرمندان تعلیقات فکری

۳۲- اور در ۹۲۳ از مادرزاده و ۲۳ سال زیسته و در شب آدینه ۱۹ رمضان ۹۵۶ درگذشته

است (تحفة سامی ۱۱ - خلاصة التواریخ قمی - روضة السلاطین هروی ۷۱ و ۱۶۰ - مجمع

الخواص صادق ۲۲).

سلجوقی بر دیباچه دوست محمد» در ۱۳۴۹ خ در کابل نشر کرده‌اند. دکتر مهدی بیانی در سرگذشت خوشنویسان (ص ۱۸۸) باز از روی اصل بیشتر آن را آورده و در اطلس خط هم از روی چاپ بیانی پاره‌ای از آن آمده است. بینیون و ویلکینسون و گری در مینیاتور ایرانی (ش ۱۷۴ ص ۱۸۳ ذیل ۱) از آن بحث کرده و ترجمه گزیده‌ای از آن آورده‌اند. ساکیسیان (ص ۵۳ و ۱۱۸ و ۱۲۰) هم بنام مرقع ییلدیز (ستاره) شماره ۳۰۸۷ مورخ ۵-۱۵۷۴ (۳-۹۸۲) از آن یاد کرده است. سچوکین در مجله آسیایی سال ۱۹۳۵ ش ۱ ص ۱۳۳ آن را وصف نموده و در مینیاتور صفوی (ص ۳۳) از آن نام برده است. گروبه E Grube رساله‌ای درباره نحله ترکی در مینیاتور دارد و در گفتار خود درباره تطور سبك تصوير در هرات و تبریز و استانبول در کتاب تصویر در سرزمینهای اسلامی نشر پیندر و ویلسن R. Pinder-Wilson چاپ ۱۹۶۹ ص ۱۰۷ نیز از این مرقع یاد نموده است.^{۳۳}

مرقع بهرام میرزا مورخ ۹۵۲ که در طوپ قپوسرای به شماره ۱۷۲۱/۳۷۰۸۵ قدیم (نسخه خزینه شماره ۲۱۵۴ دانشگاه استانبول) هست (فیلم ش ۲۳۸۰ دانشگاه عکس ش ۱۶۴۲۱)^{۳۴} عنوان «به رسم کتب خانه شهریار» دارد و در آن این پیکره‌ها و این عبارتها و این خطوط دیده میشود:

۱- قطعه‌ای با عبارت «صورة طهماسب الحسينی» در بالا و با عبارت «جهت برادر عزیزم بهرام میرزا ساخته شد» در پایین، دارای پیکره‌هایی در دوردۀ هر يك سه تا از شش تن بدین گونه:

هیبت آغا داروغه اختر، تحفه خان ساقی، قارپوز سلطان ایشک

۳۳- نیز بنگرید به: تحفه سامی ۱۲۷ - مناقب هنروران ۶۳ - کلمنت هوآرت ۲۱۱ و ۲۲۰ و ۳۲۵ - گنجینه قرآن ۴۷:۲ ش ۹۱ - فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۳۷۷ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۹۰۸ - هنر و مردم ۸۶ و ۸۷: ۲۷.

۳۴- افسوس که همه محتویات این مرقع در این فیلم نیست.

آقاسی، مولانا احمد فشر، طرفه رقاص، استاد نعمان نایی .

این نامها در بالای پیکره نوشته شده است .

۲- پیکره سواری بر اسب، مجلسی دارای چهار پیکره که در بالای آن این عبارت آمده است: «این موضع از کارهای استاد بهزاد است» در پیکره درویش شلاقی، در پهلوی آن پیکره ایست که در بالای آن نوشته شده است: «صورت قریوز سلطان رقم شاه عالم پناه»، در زیر آن مجاسی است که در بالای آن نوشته شده: «این تصویر کار استاد شاه قلی رومی است» .

۳- خطوط زین الدین محمود و دیگری .

۴- خطوط همو و علاء الدین .

۵- خطوط سلطان علی مشهدی و میر علی و دیگران .

۶- خطوط شاه محمود نیشابوری و دوست محمد مصور .

۷- خط شاه محمود در دار السلطنة تبریز در ۹۳۹ .

۸ و ۹- خط سلطانم دختر شاه اسماعیل صفوی .

۱- رساله یا دیباچه دوست محمد کاتب کوشوانی (۸پ) همانکه

بنام حالات هنروران نامبردار است . و مطالعات فرهنگی

سپس خط: بهرام میرزا، بایسنفر، خلیل الله سلطان، محمد رحیم، نوروز احمد، عبدالعزیز بن عبیدالله بهادرخان، جعفر تبریزی بایسنفری در ۸۳۳، اظهر در ۸۵۰، شیخ محمود در ۸۵۸، سلطان علی مشهدی در هرات در ۸۹۷ در اربعین جامی و ۹۰۰، نورالدین بایزید الپورانی .

با چند تصویر کار خواجه عبدالحی و چند تصویر روی ابریشم کار استاد موسی و استاد بهزاد و استاد دوست محمد .

با تذهیبهای هاشم مذهب و استاد میرک و استاد بهزاد .

با کار خود بهرام میرزا و شاه مظفر و مولانا ولی و مقصود خراسانی .

با خطوط سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور (پسر نورالله) در سال ۹۳۳ و ۹۳۷ و عبدی الشاهی نیشابوری معاصر بهرام میرزا و غیاث الدین مشهدی و نصیر و میر علی حسینی در سال ۹۳۲ و عبدالله و عبدالرحیم خوارزمی و سلطان علی یعقوبی در تبریز و شاه محمود نیشابوری در تبریز در سال ۹۴۲ و ۹۵۰ و شمس الدین محمد کرمانی و احمد حسنی و اسدالله و مالک دیلمی و محمد قاسم پسر شادی شاه در برگ ۱۱۰ ر .
با پیکره جوانی که کار ایتالیایی را می ماند .

سپس خطوط محمد ابریشمی مشهدی و رسم علی شاهی و شیر علی و مجنون رفیقی و ابراهیم و عارف حسنی و میردنگ و باباجان است .

همچنین پیکره سیف الملوك كار مظفر سیاه قلم .

دو پیکره دیگر یکی قلندر و شیر هر دو از بهزاد .

پیکره تاج الدین قوم استاد شیخی ریخته گر الحسینی در دار السلطنه تبریز از محمدی نوشته بهرام بن اسماعیل .

اربعین جامی آن مورخ ۸۸۶ و نوشته سلطان علی مشهدی است در دهه

نخستین صفر ۸۹۷ در هرات .

رساله مفردات و مرکبات دران به نسخ و نستعلیق است به روش خواجه

امیر علی تبریزی و کمال الدین جعفر تبریزی^{۳۵} .

در مرقع شماره ۳۸۱۸ ییلدیز (ستاره) قسطنطنیه (کتابخانه دانشگاه)

استانبول) «مجلس خرسواری پسران» است با همین عنوان در بالای تصویر

و بارقم «کار مولانا قدیمی» در پایین آن . جوانانی دران نشان داده شده که

نیزه به دست دارند و دستارهایی میله دار بر سر و سواره به دنبال یک دیگر

۳۵- از یادداشت دانشمند گرامی آقای مجتبی مینوی در اینجا بهره بردم و از جناب

ایشان بسیار سپاسگزارم .

میدوند و به یک دیگر یورش می‌برند و میکوشند که هم‌اورد خود را از سواری بر زمین زنند. یکی در میانه و سوار بر اسب که گویا شاه تهماسب باشد در دوازده سالگی با پوشاک قزلباشان که همه آنها دربر دارند. این مرقع کارنگارخانه و کارگاه دربار صفوی است و شاه‌قلی خلیفه مهرداد آن را برای شاه تهماسب فراهم آورده است چنانکه در این مرقع آمده و گویا هم آن را در سال ۹۸۴ (۱۵۷۶) برای سلطان مراد سوم (۹۸۲-۱۰۰۳) داده باشند.^{۳۶}

در همین مرقع پیکره جوانی است خرسوار به روش چینی که در زیر آن آمده: «العبد قدیمی مصور» آن را کاره‌رات دانسته‌اند و از سده ۹ (۱۵) و گمان برده‌اند که پیکره شاه تهماسب است.^{۳۷}

این مرقع در کتابخانه کاخ ستاره (پیلدیز) یا گنجینه سرای بوده و پس از آن در کتابخانه دانشگاه استانبول گذارده شده و اندازه آن ۲۰×۲۸ است. خط نسخ آن به روش بغدادی و نستعلیق آن هم گویا بغدادی باشد و متنها به فارسی و عربی است و تصویرهای آن نمای روش بوزنتیایی و چینی دارد و برخی از آنها دوتا یا سه‌تا در یک برگ گذارده شده و در برخی جاها که سفید مانده بود دیگران پس از این به خط نستعلیق نوشته‌اند مانند ش ۱ و ۶ و ۷ و ۸.^{۳۸}

در گلستان هنر (متن فارسی) چنین آمده است:

مولانا قدیمی مرد ابدال صفت بوده و شاه عالم پناه رضوان جایگاه شاه تهماسب جهت شبیه کشیدن او را در کتابخانه عامره (معموره) داشت، شعر

۳۶- ساکسیان ص ۱۳۰ ش ۱۷۵ - سچوکین نقاشی صفوی ص ۱۳ و ۵۵ ش ۵ و مقاله او

در مجله آسیایی ص ۴۰ و ۴۳ .

۳۷- ساکسیان ص ۵۳ ش ۶۴ - سچوکین ص ۴۴ .

۳۸- ساکسیان ص ۴ .

را نیکو میگفت ، این مطلع از اوست ، مطلع :
میخواست رقیب آید ناخوانده به مهمانت

دربان تو شد مانع ای من سگ دربان

در تحفه سامی (ص ۲۵۱) و دیباچه دوست محمد (ص ۱۹ و ۱۰۳ کابل) و سرگذشت خوشنویسان بیانی (ص ۲۰۲) و ذریعه (۹: ۸۸۰) و فرهنگ سخنوران (ص ۴۷۰) از او یاد شده است. بینیون و ویلکینسون و گری (ص ۱۸۶) او را «مولانا قدیمی» خوانده اند سچو کین در نقاشی های صفوی (ص ۴۳) نیز از او نام برده است .

در این مرقع قطعه ایست به خط نستعلیق عماد محلاتی کاتب (مسعود ابن علی) استاد خوشنویس که در ۸۹۰ هفتاد سال داشته است .^{۳۹}

در کتابخانه دانشگاه استانبول بنام ییلدیز یا ستاره مرقعی است به شماره F 1422 که در شعبان ۱۰۹۳ به حرم همایون عثمانی آمده بود و در آن هنگام ۲۲۰ برگ داشته و اکنون ۸۸ برگ در آن هست. این مرقع به دستور شاه پهماسب صفوی فراهم آمده و دیباچه ای در آن هست به خط نستعلیق بسیار خوش .

در آن دیده میشود : نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
خطهای : شاه محمود ، سلطان محمود ، سلطان علی مشهدی ، اظهر کاتب مورخ ۸۵۳ درهرات ، نصرالله الطیب استاد نسخ و ثلث ، سلطان محمد خندان ، محمد ابریشمی مورخ ۹۲۰ ، محمد مؤمن پسر عبدالله مروارید در ۹۲۴ ، از غون کاملی ، سیف الله کرمانی در ۸۹۷ درهرات ، عبدالله صیرفی .
نیز قطعه های ثلث بی امضاء و رقم ، تصویرهای عالی و زیبا از کلپه و دمنه ای مصور از هشتصد یا شاید زودتر بایک تصویر مریم و عیسی که گویا

۳۹- بینیون و ویلکینسون و گری ص ۲۶ - ساکیسیان فصل دوم ص ۴ و لوح ۱ تا ۱۰ -

مجالس النفاذ ص ۲۹۴ - ذریعه ۹: ۷۶۷ - خوشنویسان بیانی ص ۵۴۰ .

کار يك ایتالیایی است یا تقلیدی از آن، تصویرهای درباریان صفوی با نام و نشان آنها مانند تصویر خود بهزاد که برای کتابخانه خلیفه الخلفاء شاه قلمی مهرداد انجام یافته است.

تصویرهای کلیله و دمنه آن با تصویرهای جامع التواریخ نسخه ادینبورگ مانده است و گویا از حدود ۷۶۰ باشد.

چند سیاه قلم دران هست کار «قدیمی» و استاد حیدر و دیگران. دوبرگ دران به خط ثلث درشت و آراسته است که نام دوازده امام شیعی دران آمده نوشته «اسمعیل بن حیدر الحسینی» (ش ۱۵۰) (زندگانی شاه عباس از فلسفی ۱: برابر ص ۱۵۸ - تحفه سامی چاپ همایون فرخ برابر ص ۸).

قطعه‌ای از فرمانی دران هست به خط ثلث دیوانی یحیی الجمالی الصوفی مورخ ۷۴۶ در روزگار شیخ ابواسحاق در شیراز و قطعه‌ای به خط کمال الدین محمود بن عبدالحق سبزواری مورخ ۹۲۸ و عبدالهروی در ۸۳۴ و ۸۵۴ و محمدالحکیم الحافظ ترکیبی الیزدی مورخ ۷۶۰.

در يك صفحه آن خط شاه تهماسب است و بهرام میرزا و شاه میرزاو خوشنویسی بارقم «رسم علی شاهی» و عبدالله بن محمد مروارید درهرات باماده تاریخ «پی مرقع جمع آمده ورقها» (۸۹۷) و ولی گیلانی در ۸۹۷ از روی خط تاج سلمانی که در ۸۲۱ نوشته بوده است (از یادداشتهای استاد بزرگوار آقای مجتبی مینوی).

در دارالکتب قاهره چندین مرقع است که طرازی آنها را در دو فهرست خود برای نسخه‌های فارسی و برای نسخه‌های فارسی مصور آن کتابخانه وصف کرده و پیش از او سچوکین هم در این باره کتابی به زبان فرانسه نوشته است.

در مرقع شماره «۴۱-م تاریخ فارسی» این کتابخانه ۳۶ لوح و ۷۲ پیکره است که یکی از آنها (لوح ۶۷) تصویر شاه تهماسب است کار استاد یوسف

و در این مجلس شاه تهماسب و شاه عباس هر دو با هم به مرقعی می‌نگرند (فهرست نسخه‌های مصور طرازی ص ۱۵۹ ش ۶۶ ش ۲ و فهرست نسخه‌های فارسی طرازی ش ۲۰۴۷).

در نسخه‌ای از یوسف وزلیخای جامی مورخ ۹۴۰ آنجا هفت مجلس است به روش ایرانی بهزاد و گویا برخی از آنها کار سلطان محمد باشد و گفته‌اند که این نسخه کار نگارخانه شاه تهماسب است (فهرست نسخه‌های فارسی طرازی ش ۲۵۳۷ - فهرست نسخه‌های مصور طرازی ش ۲۰ ص ۶۱ - نقاشی صفوی سچوکین ش ۱۳ ص ۶۳).

در جنگ شعرهای فارسی آنجا (ش ۶۰ ادب فارسی) که نسخه‌ایست آراسته و نوشته ج ۲/۹۲۱ شصت مجلس است با شعرها و مجلسهای دیگر که پس از این در آن آمده است، طرازی آن را در فهرست نسخه‌های فارسی مصور (ص ۵۴ ش ۱۸) و فهرست نسخه‌های فارسی (ش ۲۳۴۰) وصف کرده است.

در موزه هنرهای زیبای بستن نسخه‌ای است از حدیقه الحقیقه سنائی مورخ ۹۸۱ (۱۵۷۳) به شماره O9324 و مطالعات فریبکی (گنجینه‌های آسیایی نقاشی ایران از بازیل گری ص ۱۵۵ که از این کتاب بنام «حدیقه الانس» یاد کرده است - فهرست توصیفی نسخه‌های مصور کتابخانه بادلیان از روبینسن ص ۱۵۱).

در کتابخانه عمومی بستن پنج گنجی از نظامی دارای بیست و هفت تصویر و مورخ ۹۶۱.

(المخطوطات العربیة فی دورالکتب الامیرکیة از گرگیس عواد ص ۱۱ و ۲۲۷ - جولة فی دورالکتب الامیرکیة از همو ص ۵۴ تا ۵۶).

در مرقع گلشن کاخ گلستان از سده دهم ص ۴۶ مجلسی است به

اندازه $۱۶/۵ \times ۲۷/۵$ که دران پیکره شاه تهماسب در روستایی نشان داده میشود و او درانجا بر تخت نشسته و نوکری جامی پر از میوه باو میدهد. نزدش کسی دیگر هم هست که در جلوش خوردنی نهاده اند. کسانی دیگر هم درانجا هستند روبروی او ایستاده و یکی پای درختی ایستاده و یکی دیگر میان دو مشعل و کس دیگر در بالا ایستاده و شمعی در دست و یکی دیگر نشسته. چهار خنیاگر نیز دران دیده میشود، کسی دیگر هم هست که عنان دوسواری را گرفته و چهارتن دیگر که به کاری می پردازند.

این مجلس گویا کار عبدالصمد است پیش از رفتن به هند و گویا میخواهد کار خویش را به شاه تهماسب نشان دهد.

- (ایران بازیرگری چاپ یونسکو به فرانسه و به انگلیسی ص ۱۸ متن و لوح ۲۳- بینیون و ویلکینسون و گری ص ۱۶۳- پوپ لوح ۵۱- مینیاتورهای ایرانی کتابخانه شاهی چاپ تهران).

پیکره و تصویر و شبیه شاه تهماسب

۱- شاه تهماسب ایستاده گلی به دست گویا کار سلطان محمد در بخارا از سده ۱۰، با مهری که نامهای «حسن، جعفر قلی» دران بخوبی خوانده میشود، به اندازه $۳۱ \times ۸/۱۲$.

(کوماراسوامی در Ars Asiatica چاپ ۱۹۲۹ ص ۲۹ لوح ۲۱ ش ۴۰- کونل ش ۶۲).

۲- شاه تهماسب در جوانی و نشسته و بر بالش تکیه زده و کتاب میخواند، گویا کار سلطان محمد، به اندازه $۱۳ \times ۱۵/۵$ از M. H. Vever در پاریس.

(بینیون و ویلکینسون و گری ۳۶- کونل ۶۱- مارتین)

Martin : The miniature painting and painters of Persia, India Turkey from the 8th to 18th century .

چاپ سال ۱۹۷۰ لندن Holland press ۲: ۱۰۹ . ساکیسیان :

La miniature persane du XIIe au XVII Siècle

چاپ ۱۹۲۹ بروکسل ص ۱۳۸) .

۳- شاه تهماسب در جوانی روی صندلی نشسته پا روی پای با کتابی در

دست، کار سلطان محمد نزدیک ۹۴۷ (۱۵۴۰) .

(مارتین لوح ۱۱۰ در بالا)

۴- شاه تهماسب در جوانی گلی در دست و روی صندلی نشسته پا روی

پای، کار سلطان محمد نزدیک ۹۴۷ (۱۵۴۰) .

(مارتین لوح ۱۱۰ از پایین)

۵- شاه تهماسب در جوانی زیر درخت با گروهی که گویا برای آسایش

گرد هم آمدند تا از خستگی بدر آیند با پیکره دواسب، کار سلطان

محمد نزدیک ۹۴۷ (۱۵۴۰) .

(مارتین لوح ۱۱۴)

۶- شاه تهماسب در شکار با گروهی، کار همو نزدیک ۹۴۷ (۱۵۴۰) .

(مارتین لوح ۱۱۵) *رساله جامع علوم انسانی*

۷- شاه تهماسب در شکارگاه جرگه زیر سایبان بر روی تخت و تیری به

سوی حیوانی انداخته، از همو، نزدیک ۹۴۷ (۱۵۴۰) در دو صفحه .

(مارتین لوح ۱۱۶ و ۱۱۷ - سچو کین نقاشی مفلول ص ۱۴۳ و ۱۴۴) .

۸- شاه تهماسب در جوانی با کلاه صفوی، با رقم محمد هر وی، به اندازه

۱۰/۵ × ۱۹/۵، از بگیان Begian (ب. و. گ. ش ۱۴۴) .

۹- شاه صفوی ایستاده گلی به دست، از شاه محمد، در موزه هنری بستان

(ساکیسیان ش ۱۳۷) .

- ۱۰- شاهزاده صفوی گویا تهماسب در شب با یارخویش بر روی تخت زیر سایبان درمیان باغی با خنیاگران و رامشگران با ساغرها و میوه‌ها و ساقی پیاله به دست، در بالای مجلس شعر:
- گل بی رخ یار خوش نباشد بی باده بهار خوش نباشد
- نوشته شده، کار سلطان محمد در نسخه‌ای از دیوان حافظ که برای سام میرزا کشیده است، تصویر در این نسخه از او و شیخزاده لاهیجی است. این تصویر نزدیک ۹۴ (۱۵۳۳) کشیده شده است.
- از مجموعه خصوصی کارتیه Cartier در پاریس و سیاه قلم است و از مجموعه‌ای خصوصی در کیمبریج و رنگین، اندازه ۱۸/۵ x ۲۹.
- (ب و گ لوح ۸۳ تصویر ۱۲۷ با سیاه قلم از ص ۱۲۸ در دیوان حافظ
- * گنجینه آسیا نقاشی ایران به فرانسه چاپ ۱۹۶۱ ص ۱۳۷ رنگین- ساکیسیان ۱۳۶- سچوکین نقاشی صفوی ش ۱۲ ص ۶۰.
- ۱۱- شاه تهماسب در کودکی در بالای یک درخت.
- ۱۲- شاه تهماسب بر روی اسب.
- (سچوکین نقاشی صفوی لوح ۸ و ۹ از مینیاتورهای لوور).
- ۱۳- شاهزاده تهماسب جوان زیر درختی، باز شاه تهماسب در شکار، دو تصویر است. (مارتین لوح ۱۱۴ و ۱۱۵- سچوکین ۵۰).
- ۱۴- شاه تهماسب در جوانی (شاه عباس از فلسفی ۱: ۸- تحفه سامی چاپ همایون فرخ ص ۵).
- ۱۵- شاه تهماسب ایستاده بازی بردست
- (سلطان محمد و روش او از کریم اف به روسی ص ۵۷).
- همه اینها کار سلطان محمد است.
- شاه تهماسب در نامه‌ای به فرمانروای هرات درباره پذیرایی از همایون

نوشته بود دستور داده است که زنان در مهمانیها و پذیراییها که از او میشود رقص کنند.

نگارهای شاه تهماسب

شاه تهماسب تاریخ تیموری میخوانده (ص ۴۲ تذکره) و گویا میخواست است که خود را مانند تیمور گورکان نشان دهد و همچون او تزوك بنویسد این بود که روزنامه وقایع سی ساله خود را نوشته است همانکه بنام «تذکره» نام بردار است.

این رساله را دو تحریر است:

۱- بیاض مکالمه شاه تهماسب یا مقالات او با ایلچیان که گفتگو و خطابی است از او با فرستادگان سلطان سلیمان یکم (۹۲۶-۹۷۴) در قزوین گویا در ۵ ذح ۹۶۹ (۱۶ ژوئیه ۱۵۶۲) به منظور تسلیم شاهزاده بایزید پناهنده به دربار ایران و روابط ایران و ترک عثمانی در آن روشن میشود. این سخنان را او در شبی که آنها را خواسته بود گفته و پیامی است از او به خواندگار روم.

نسختی از این تحریر در کتابخانه عمومی لنینگراد هست که در فهرست درن (ش ۳۰۳) وصف شده و در کتاب نمونه خطوط ایرانی در سده ۱۵-۱۹ به زبان روسی چاپ ۱۹۶۳ مسکو (ش ۳۸) از آن یاد شده و در لوح ۳۸ آن يك صفحه مصور آن دیده میشود (برابر با ص ۵۶ و ۵۷ چاپ برلین). این نسخه مصور آراسته به خط نستعلیق علی رضای عباسی است در ۲۰۱ و بیانی در سرگذشت خوشنویسان (ص ۴۶۱) از آن بنام «رساله کوچک» یاد کرده و آن را خود او دیده است.

در طومار آستانه شیخ صفی چاپ تبریز (ص ۴۳) از دو نسخه تذکره

شاه تهماسب یادشده یکی همین یکی و دیگری به نستعلیق آراسته که باید همین تحریر نخستین می بوده باشد و نمیدانم اکنون کجاست .
در منشآت گردآوری شده در ۱۰۱۰ ش ۲۱ ب کتابخانه دانشکده ادبیات تهران بند ۸۶ ص ۱۶۹-۱۸۸ «مقالات شاه تهماسب با ایلچیان سلطان سلیمان خان حاکم روم علی پاشا و حسن آقای قاپوچی باشی در شبی که ایشان را طلبیده به خواندگار پیغام کرده است» هست (فهرست ۱: ۴۴۷، فیلم ۲۲۱۸ کتابخانه مرکزی ص ۲۲۳ فهرست فیامها) این منشآت تحریری است از مجمع الانشاء حیدربن ابی القاسم ابو اغلی و عبدالوهاب کاتب این مقالات را در ۲۴/۱۰۱۰ نوشته است .

در مجموعه ش ۴۴ ج همین کتابخانه بند ۴۰ گ ۷۲ تا ۸۴ ر (فهرست ۱: ۴۶۱، فیلم کتابخانه مرکزی ش ۲۲۱۶ ص ۶۵۸ فهرست) همین مقالات است نزدیک بهمین عنوان و تاریخ ندارد ولی منشآت آن در ۱۰۸۷ نوشته شده است .

این مقالات در این دو نسخه با اندکی جدایی در برخی از جاها یکی است و هر دو پنج فصل .

نام آن دو ایلچی در نامه سلیمان به تهماسب و پاسخ او بدو هم آمده است (همان منشآت یادشده، فهرست ادبیات ۱: ۴۵۷) .

در مجموعه احمد غلام عامل خزانه عامره که در یورش افغانها آنرا گرد آورده است (مجلس ۱۰: ۱۳۷۳ ش ۲۷۲/۳۴۵۵ برگ ۳۹۵-۴۰۰) نسخه ای هست با عنوان «پنج فصل حکایت و روایت در باب مجاری حالات و وقایع و سوانح نواب غفران پناه شاه تهماسب» دارای پنج فصل و باتذکره چاپ شده جداییها دارد و باید همان تحریر نخستین باشد. او میگوید که من آنرا از روی نسخه ای از مجمع حیدربیک که گویا قاسم دیوانه برای حسین قلی خان نوشته بوده است در سال ۱۱۳۸ هنگامی که افغانها به چپاول

اصفهان می پرداخته اند نوشته ام. این مجمع که او می گوید باید همان مجمع الانشاء حیدر بن ابی القاسم ایواغلی باشد که چند نسخه ای از آن در دست هست.

در مجموعه دیگر مجلس (۲: ۳۶۱) ش ۶۰۶ مورخ ۱۲۴۹، فیلم ش ۲۳۲۴ دانشگاه ص ۲۵۶ فهرست فیلمها) هم نسخه ای هست بنام «مقالات شاه تهماسب با ایلچیان سلطان قیصر روم علی پاشا و حسن آقای قاپوچی باشی همین قیصر» که نامه ای از سایمان برای تهماسب آورده بودند، در پنج فصل و مورخ رجب ۱۲۴۹ که پیدا است همان تحریر نخستین است. این مجموعه هم چنانکه در فهرست فیلمهای دانشگاه نوشته ام (ص ۲۴۹) باید نسخه ای از مجمع الانشاء ایواغلی باشد.

دومین تحریر آن که تذکره شاه تهماسب نام دارد در تهران در مطلع-الشمس (۳: ۱۶۵) از روی نسخه کتابخانه معتمدالدوله و در کلکته و برلین دوبار چاپ شده و به آلمانی درآمده و درباره آن تعریف و بحث شده است. یکی از کهن ترین نسخه آن گویا همان باشد که اصل دو نسخه هند و يك نسخه برلین بوده و آن را برای «ابوالفتح سلطان محمد میرزای صفوی موسوی حسینی بهادر خان» گویا همان بازپسین پادشاه صفوی که در ۱۲۰۰ شاه شده است به سلطان محمد خدابنده صفوی (۹۴۰-۹۸۵-۹۹۵) پادشاه نابینا و متخلص به فهمی به رشته تحریر کشیده اند (پایان نسخه برلین). چنانکه بیانی می نویسد (ش ۱۰۰۸) نسخه ای از آن به خط نستعلیق محمد حسین نورس دماوندی اصفهانی در ۱۰۹۰ در کتابخانه شاهنشاهی کاخ گلستان هست ولی نمیدانم از کدام تحریر است.

کسی بنام عبدالله برای لمدن Lumsden استاد زبان عربی و فارسی مدرسه فرت ویلیام در ۱۲۱۲ (۱۷۹۷) از روی نسخه سلطان محمد میرزا نسخه ای نوشته که در فهرست ایوانف (۱: ۲۷) ص ۸۷) از آن یاد شده است.

همین نسخه است که در ۲۲ ژانویه ۱۸۱۷ (۱۲۳۳) از روی آن نسخه دیگری نوشته شده که اکنون در برلین است (ش ۴۴۲ ص ۴۳۲ فهرست پرچ) در پایان این نسخه از «سلطان محمد میرزای صفوی موسوی حسینی بهادر خان» و از عبدالله و سال ۱۲۱۲ و «البیان دینی امشدن» بهادر و از تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۸۱۷ یاد شده است.

نسخه دیگر این تحریر در ۲۰ نوامبر ۱۸۶۸ گویا از روی نسخه مورخ ۱۲۱۲ نوشته شده و در فهرست ایوانف (۱: ۲۸ ش ۸۸) از آن یاد شده است.^{۴۰} پس باید کمینه پنج نسخه‌ای از تذکره شاه تهماسب باشد و چهار بار هم به چاپ رسیده است.

خورشاه فرزند قباد حسینی عراقی ایلیچی برهان نظام شاه فرمان‌روای احمد نگر (۹۱۴-۹۶۱) که در ۹۵۲ در قزوین در دربار شاه تهماسب بوده است و تا سال ۹۷۱ در آنجا مانده و گویند که در ۹۷۲ در گلکنده در گذشته است در تاریخ ایلیچی نظام شاه خود ساخته ۹۷۱ از سخن شاه تهماسب که خود شنیده و از کتاب واقعات جنگ شاه تهماسب با روم تا تاریخ ۹۷۱ همان واردات او که برای قطب‌شاه فرمان‌روای تلنگانه نسخه‌ای از آن فرستاده شده است یاد کرده و بندهایی از این دومی آورده است.^{۴۱}

در تاریخ طهماسبیه محمد مهدی بن محمد هادی شیرازی هم‌زمان ابو الفتح سلطان محمد میرزا بهادر خان صفوی که در ۱۲۰۰ پادشاه خوانده

۴۰- در فهرست میرزا اشرف‌علی برای نسخه‌های انجمن آسیایی بنگال چاپ ۱۸۹۵ ص

۲۱ بنام «تاریخ طهماسب» و در ص ۲۵ بنام «تذکره صفویه» و همچنین در آغاز چاپ این کتاب در مجله ZDMG سال ۱۸۹۰ ش ۴۴ از پول هرن P. Horn از این دو نسخه هندی یاد شده است.

۴۱- ص ۲۸ و ۴۴ و ۵۷ و ۷۷ ش ۴۳۳ دانشکاه - استوری ۱: ۱۱۳ و ۱۲۳۹.

شده است هم این مطالب هست چه آن از روی تاریخ ایلچی نظام ساخته شده است^{۴۲}.

پول هرن در مقاله خود در ZDMG (ش ۴۴ ص ۵۶۳-۶۴۹ سال ۱۸۹۰) عبارات او را آورده است. پیداست که آنچه خورشاه خوانده است همان مقالات است نه آنچه بنام تذکره یاد میشود.

رساله دیگری بنام آیین شاه تهماسب صفوی در قانون سلطنت با

وصایای خواجه نظام الملك (همان دستورالوزاره) به فرمایش آقامیرزا محمد صاحب تاجر شیرازی ملك الكتاب در بندر بمبئی به خط نستعلیق ریز میرزا داود شیرازی در ۴ ج ۱/۱۳۰۵ ق به چاپ سنگی رسیده است در ۸۰ صفحه ربعی و این رساله در ص ۷۴-۸۰ است.

این یکی فرمانی است دارای ۶۹ بند دستور اداری و سیاسی و دران از منع شراب و موسیقی هم یاد شده است و سفارش شده که در سه چهار شهر عراق و آذربایجان آنرا در سنگ خارا نقش و در جای مناسب نصب کنند. من هر چه گشتم نسخه ای خطی از آن نیافتم شاید در جنگها و مجموعه ها و منشآت بتوان از آن سرآئی گرفت یا سنگ نوشته از آن در گوشه ای باشد. این فرمان سند روشن و رسایی است از اندیشه سیاسی شاه تهماسب و روح مذهبی او از آن پیداست و آنرا میتوان نمونه کوتاه و کوچکی از یاسای غازانی یا چهل حکایت او که در تاریخ مبارک غازانی میخوانیم پنداشت.

نیز بنگرید: استوری ۳۰۵:۱ و ۱۲۷۹ - دانشمندان آذربایجان ص ۲۴۸ - یادداشت های قزوینی ۴۵:۲ - مؤلفین مشار ۶۰۲:۳ - فارسی مشار ۱۶۳۲ و ۱۷۱۱.

۴۲- ش ۴۱۲ فهرست پرچ - استوری ۲۲۰:۱.

آنچه شاه تهماسب را به توبت برانگیخت

شاه تهماسب را شاعرانِ معاصرش به عنوان سیادت و حمایت از دین می‌ستودند و دانشمندان دینی نیز چنانکه خواهیم دید بنام او بسی کتاب مذهبی ساخته و به او پیشکش کرده‌اند. اینها در واقع فشاری بود از درون جامعه دینی ایرانی آن زمان که بر پیکره سیاست او می‌آمده و او را به سوی زهد و پارسایی میرانده تا در برابر شریعت و مذهب دست از پای خطا نکند و در اصول و فروع دینی انحراف نرزد.

چون او مانند پدر نگاهبان تشیع دوازده امامی بوده ناگزیر در برابر گروه زیدی و پیروان سنت واقع شده‌است. زیدیان طبرستان و گیلان که خود هیرزمانی پیشوای زیدیان یمن بوده‌اند و آثار علمی دانشمندان آنجا جسته و گریخته در کتابخانه‌های یمن و ایتالیا و جاهای دیگر که نسخه‌های زیدی دارند دیده می‌شود و در ایران هم به نسخه‌های ادبی و دینی زیدی آن‌ستمان بر خورده‌ایم، گویا به کلی از میان رفته و یارای مقاومت نداشته‌اند. اما پیروان سنت در قلمرو اوزبکی و عثمانی و دیار عرب چنانکه خواهیم دید از خرده‌گیری ورد و نقض مذهب تشیع باز نماندند و در این باره کتابها نوشتند و میتوان گفت که سراسر دوران صفوی با این گرفتاری مواجه بوده و از این روی بود که دانشمندان شیعی ناگزیر بودند ردها و نقضها تألیف کنند و به خرده‌گیری‌های آنها پاسخ گویند، در فهرستها به بسیاری از این گونه کتابها بر می‌خوریم.

این خود فشاری بود که از بیرون ایران بر پیکره سیاست صفوی وارد می‌آمده‌است.

پس سیاست شاه تهماسب گذشته از فشار نظامی که از دوسوی شرق و غرب با آن روبرو میشده‌است به محاصره مذهبی دچار شده و ناگزیر

بود که از هر جهت خود را با شریعت موافق نشان دهد.

آثاری که بنام شاه تهماسب ساخته‌اند

۱- فتح‌الله بن عزیزالله ایادی متخلص به فتحی در سال ۹۳۰ بنام شاه تهماسب فتوح المؤمنین نگاشته‌است در چهل و یک باب در پند و اندرز دینی و پیدا است که برای روایی و گسترش آیین شیعی در میان توده مردم ساخته و گویا هم باب طبع قزل‌باشان و صوفیان توحیدخانه بوده‌است.

از این کتاب نسخه‌ایست بنام انیسر المؤمنین در دانشگاه تهران (۶: ۲۴۴۰) و دو نسخه دیگر در همانجا به شماره‌های ۲۶۵۷ و ۴۸۲۷ که در فهرست بنام «اخلاق جرجانی» آمده و درست نیست. در آستان رضوی هم نسخه‌ایست از آن به شماره ۹۵۲۰ (یادداشت آقای سید عبدالعزیز طباطبائی) و نسخه‌ای دیگر به شماره ۲۲۲ اخلاق (۳۵۸۰) که در فهرست آنجا (۶: ۴۴۹) شناسانده شده‌است نسخه‌ای هم از آن در اصفهان هست (فهرست روضاتی ص ۲۳۶) و نسخه‌ای در جامع گوهرشاد مشهد (فیلم ۲۱۴۵ دانشگاه ص ۱۴۵ و ۷۹۵ فهرست فیلمها) از دو نسخه آستان قدس و اصفهان هم فیلمی در دانشگاه تهران داریم (ص ۱۴۵ فهرست) (نیز بنگرید به فهرست نسخه‌های خطی فارسی ص ۱۵۴۷ و ۱۱۶۵۲).

ماده تاریخ ۹۰۸ که در ص ۸ نسخه آستان رضوی آمده‌است درست نیست چنانکه در فهرست آنجا (ج ۶) هم یاد شده‌است چه با تاریخ زندگی شاه تهماسب نمی‌سازد.

پس هفت نسخه از این کتاب ما می‌شناسیم و همین خود میرساند که آن در اشاعه آیین شیعی میان توده مردم بسیار سودمند بوده‌است.

۲- خاتم‌المجتهدین محقق ثانی علاءالدین یا نورالدین ابوالحسن علی

ابن حسین عبدالعالی کرکی در گذشته روز شنبه ۱۸ ذح ۹۴۵ درباره نمازهای روزانه الرسالة الجعفرية نگاشته است بنام بزرگی که بایستی از او پیروی کند و در نیمه های روز پنجشنبه ۱۰ ج ۲/۹۱۷ آنرا به انجام رسانده است از این بزرگ شاید شاه اسماعیل را خواسته باشد.

او در سب و دشنام غاصبان خلافت نفخات اللاهوت فی لعن الجبت والطاعوت دارد که آنرا در مشهد طوس در ذح ۹۱۷ پایان برده است شاید اینرا هم برای شاه اسماعیل ساخته باشد.

(مجلس ۱۴۱:۴ و ۳۳:۵ - آستان رضوی ۹۱:۱ و ۴:۲۶۵).

او رساله فی تعیین المخالفین عن امیر المؤمنین ساخته که آن هم در سب است و به دستور شاه تهماسب نگاشته است (دانشگاه ۱۹۶۸/۷ و ۲۸۳۰/۶).

کرکی جامع المقاصد فی شرح القواعد خود را هم بنام شاه تهماسب ساخته و در دیباچه آن وی را ستوده است. او در نیمه روز شنبه چهار روز مانده از صفر ۹۲۸ و سال ۹۳۳ و روز ۱۸ ج ۱/۹۳۵ بدان می پرداخته است (فهرست دانشگاه ۱۸۳۹:۵ و ۱۸۴۱). این کتاب یکی از منابع ارزنده اجتهادی و استدلالی فقه شیعی است. کرکی در آن ساختن مجسمه و جسم سایه دار به ویژه جان دار را ناروامیداند و میگوید که نقش جان دار بر دیوار و ورق حرمت آن به احتیاط نزدیک تر است و اگر بی جان باشد مانند درخت و جز آن حرام نیست^{۴۳} همچنین او غناء طرب انگیز را حرام میدانند (آغاز متاجر جامع المقاصد).

۴۳ - ساکیسیان Arménag Bey Sakisian در آغاز La miniature Persan du

XIIe au XVIIe Siècle چاپ ۱۹۲۹ می نویسد که مینیاتور برخلاف اسلام است و دران از

تصویر جان داران منع شده است.

از عالم‌آرای شاه‌اسماعیل صفوی (ج ۱ ص ۵۱۶ و ج ۲ ص ۴۷۷) بر می‌آید که قاضی چلبی فرستادهٔ سلطان ساییم عثمانی (۹۱۸-۹۲۶) از شاه اسماعیل سه‌خرده گرفته بوده‌است:

۱- چرا خاک‌جای و مزار ابوحنیفه را ویران کرده‌اید؟! چون او در زمان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) پدر سلطان سلیم یکم در سال هفتم پادشاهی خود (۹۱۷) به بغداد که رسیده بود به چنین کاری دست‌یازیده‌است.

۲- چرا سه‌خلیفه را دشنام می‌گویید؟

۳- چرا سگی در پهلوی گور قیدار پیغمبر به خاک سپرده‌اید؟ همچنین به او گفته بود که مادهٔ تاریخ آیین شما «مذهب ناحق» است که ۹۰۶ باشد.

شاه اسماعیل برای پاسخ دادن باینها ناگزیر کرکی را با صواب‌دید قاضی‌زادهٔ لاهیجی از عراق به ایران خواسته و او به‌سه‌تای این پرسشها پاسخ داده‌است و یکی از آنها را که داستان گور قیدار باشد خود قاضی‌زاده پاسخ گفته‌است.

در روضات الجنات خوانساری (ص ۳۹۱) از این مادهٔ تاریخ «مذهب ناحق» و پاسخ کرکی که مادهٔ تاریخ «مذهبن ناحق» است یاد شده‌است.

در خلاصه‌التواریخ قاضی احمد قمی (ش ۶۵۷۰ دانشگاه ص ۶۳) آمده که شاه اسماعیل در ۲۵/ج ۲/۹۱۴ به بغداد رفته و سید محمد کمونه و شیخ علی را از چاه درآورده و خاک‌جای ابوحنیفه را کنده تا به آب رسیده و.....

در عالم‌آرای شاه اسماعیل (ج ۱ ص ۵۱۵ و ج ۲ ص ۴۷۷) هم آمده که این گستاخی در سال هفتم پادشاهی او (۹۱۴) بوده‌است.

شیخ زادهٔ لاهیجی گویا همان شیخ زاهد محیی‌الدین احمد لاهیجی

باشد که او را در سال ۹۱۶ با قاضی نورالله برادرزاده قاضی عیسی یعقوبی نزد شیبک خان فرستاده بودند که ویرا از کارهای ناپسند بازدارند. لاهیجی به خرده‌ها که شیبکیان از آیین شیعی می‌گرفته‌اند پاسخ داده‌است (خلاصه التواریخ ص ۷۵).

یاگویا همان شیخ زاده لاهیجی پسر شیخ محمد لاهیجی خلیفه نوربخشی شیرازی است که با شیخ نجم زرگر هم‌راه از بام تا شام به می‌گساری می‌گذرانده‌است (تحفه سامی ۱۰۹).

کرکی پس از دانش‌اندوزی و تحصیل علم در مصر و شام و عراق عرب در زمان شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰) در سال دهم پادشاهی او (۹۱۷) که بر شاه پیک خان اوزبک تاخته و بر او پیروز شده و به هرات رفته بود در همین شهر نزد شاه آمده بوده‌است (مستدرک الوسائل ۳: ۴۳۲).

باری سالنمای زندگی کرکی چنین است:

۱- در ۱۶ رمضان ۹۰۳ در دمشق بوده و به عزالدین حسین بن شمس الدین محمد حر عاملی اجازه داده‌است (اجازات بحار ص ۶۰).

۲- در ۹۲۴ در نجف به برهان‌الدین ابوالحکام ابراهیم خوانساری اصفهانی اجازه داده‌است (ذریعه ۱: ۲۱۲).

۳- در ۱۱ صفر ۹۲۸ در نجف به شیخ بابا شیخ اجازه داده‌است (اجازات بحار ص ۶۲).

۴- در ۲۶ رمضان ۹۲۹ در نجف به عبدالعلی استرآبادی اجازه داده‌است (همانجا ص ۶۳).

۵- در ۱۵ ج ۱/ ۹۳۱ در نجف به ابوالعباس احمد بن خاتون عاملی اجازه داده‌است (ذریعه ۱: ۲۳۱).

۶- در ۹۳۲ در یزد به شرف‌الدین یحیی بحرانی اجازه داده‌است

- (ذریعه ۲۱۵:۱) .
- ۷- در ۲۱ ج ۲/۹۳۴ در بغداد به میسی اجازه داده است (اجازات بحار ص ۵۶) .
- ۸- در ۵ رجب ۹۳۵ در نجف به نورالدین ابوالقاسم علی عاملی اجازه داده است (ذریعه ۲۱۵:۱) .
- ۹- در ۹ رجب ۹۳۷ در کاشان به میرک نظام الدین احمد خوانساری اجازه داده است (ذریعه ۲۱۳:۱) .
- ۱۰- در ۹ رمضان ۹۳۷ در اصفهان به قاضی صفی الدین عیسی اجازه داده است (اجازات ۶۸) .
- ۱۱- در ۹۳۶ او به سوی خراسان میرفته و در بازگشت به کاشان آمده و در قم در ۱۱ ذح ۹۳۷ به شمس الدین محمد استرآبادی اجازه داده است (اجازات ۶۸) .
- میان همین کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی در گذشته پس از ۹۴۴ نثار و دشمنی بوده و او در رد قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج کرکی ساخته ع ۲/۹۱۶ السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج فی حل الخراج نگاشته و آن را در نیمه روز ۲۶ شعبان ۹۲۴ به انجام رسانده است . قطیفی مانند محقق احمد اردبیلی در گذشته ۹۹۳ در الرسالة الخراجیه خراج را حرام میداند ولی معاصرش شیخ ماجد بن فلاح شیبانی آن را مانند کرکی حلال دانسته است (ذریعه ۶۸:۷ و ۱۴۴ و ۱۴۶:۱۲ و ۷:۱۷) پس قطیفی و اردبیلی از مخالفان دربار صفوی و کرکی و شیبانی از دوستان این دستگاه بوده اند.
- امیر سید نعمه الله حلّی که شاگرد کرکی بوده و در سایه تربیت او ترقی کرده بوده است با قطیفی نامه نگاری داشته و او را و امید داشته است که معایب کرکی را بازگوید . او با قاضی مسافر تبریزی و حسین اردبیلی و دیگر

فقهاء مخالف کرکی درباره وجوب نماز آدینه در نبود امام معصوم و نایب او گفتگوی میداشته است.

از سوی دیگر گروهی از بداندیشان باخطی ناشناخته نامه‌ای سراپا دروغ و بهتان‌آمیز نوشته و در پشت خانه کرکی در زاویه بایسنفر میرزای ترکمان در پهلوی زاویه رفیعه نصریه تبریز در میدان صاحب آباد انداختند. دستگاه دولتی ریشه این کار را از همان حلی پنداشته و همین شاه‌تھماسب را برانگیخت که فرمانی صادر کرد که حلی باید به بغداد برود و در آنجا بماند و کسی هم با او آمیزش نکند و او و قطیفی هم نباید همدیگر را ببینند و نباید به‌نزد یکدیگر بروند و قطیفی نیز بایست از فرمان پادشاه سر باز نزنند و گرنه گماشتگان کرکی او را ادب کنند. کرکی هم درین زمان به عراق رفته بوده است. سرانجام ده‌روزی پیش از حلی در گذشته است.

(خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی ص ۱۷۷ ش ۶۵۷ دانشگاه و برگ ۹۸ عکس ۵۵۶۶ از فیلم ۱۷۳۹ دانشگاه - احسن التواریخ روملو ص ۵ - ۳۵۴)

چنین است فرمانی که شاه‌تھماسب درباره اخراج نعمه‌الله حلی صادر کرده است:

رتال جامع علوم انسانی
سواد حکم اخراج

چون همگی همت عالی نهمت همایون ما مصروف انتظام امور عالم و عالمیان است و مخفی نیست که تمدن و تعیش که مدار علیه (؟) برانست بی‌زجر و منع اهل فساد و ارباب عناد که «ان الله لا یحب المفسدین» از ناصیه احوال ایشان ظاهر و از عنوان اعمال‌شان فحواى «یتبعون فی الارض فسادا» باهر است صورت‌پذیر نیست، و درین ولا مکرر آثار فسادات و تذویرات و شرارت و القای فتن و اکاذب در امور دینی و دنیوی از امیر

نعمة الله الحلی به ظهور رسیده و بر مرآت خاطر فیض مآثر همیون ما آثار
اضلال و اغوای او درمیانه عوام جلوه نما گردید سبب اشتغال و التهاب
نواير عتاب و خطاب شاهی شد و بنا بر اشتها او به نسب شریفه جلیله
عظیم الشان با وجود طعن دران ملاحظه للنسبة الشریفة از اسباب عظیمه
گذشته مضمون «ارفع بالتی هی احسن» را منظور نظر اعتبار داشته مقرر
فرمودیم که مشارالیه را ازین بلاد اخراج نموده به مدینه حله فرستاده شود
حکام و داروغگان عراق عرب باید که مشارالیه را نگذارند که دیگر متوجه
این صوب شود و او را از اختلاط به ارباب دیوان و جمعی که توهم فساد در
بارۀ ایشان باشد منع نمایند و در امور شرعیه و عرفیه مدخل ندهند. و
چون به وضوح رسید که تلاقی او با شیخ ابراهیم قطیفی موجب شرارت
و فساد است در امور دینی و دنیوی ایشان را از ایتراف و اختلاط منع
کنند. شیخ ابراهیم حسب المسطور مقرر دانسته از مخالفت حکم جهان
مطاع احتراز لازم دانند و اگر خلاف به ظهور رسد و کلاء خاتم المجتهدین
وارث علوم سید المرسلین قدوة اهل الإسلام نایب الإمام زینا للأفضة علیا
عبدالعالیا ایشان را به ابلغ و جوه تادیب و منع نمایند چنانچه موجب عبرت
دیگران گردد. حکام و داروغگان عراق عرب درین باب امداد نموده مساعی
جمیله به اقدام رسانند و نوعی کنند که آثار شکر ظاهر شود و خلاف کننده
وساعی در ابطال این امور از مردودان ممالک پناه و آستان عرش اشتباه
دانند (خلاصة التواریخ قاضی احمد قمی رك ۹۸ عكس ۵۵۶۶ از فیلم ۱۷۳۹
دانشگاه).

شاه تهماسب در سال ۹۳۵ رود نیل حله را که رشته ایست از رودخانه
فرات بر مشهد غروی نجف و مشهد حسینی کربلا و بر کسانی که در این دو جا
به کار علم و دین می پردازند وقف نموده است. و کیل او در این وقف «زین

الدین علی بن عبدالعالی کرکی» بوده است و گویا تولیت آن را هم بدو داده است (فرهنگ ایران زمین ۱۴: ۳۱۳).
 او در ۱۶ ذح ۹۳۹ فرمانی صادر کرده که در آن همین کرکی را نایب امام و حجت اسلام خوانده و پایگاه شیخ الاسلام و مقتدی الانام بدو داده و فرموده که بایستی همه دیوانیان و درباریان و سران کشور ازو پیروی کنند و از گفته‌های او هرگز سر نیچند. در همین فرمان بسیاری از کشتزارها و روستاهای عراق عرب را وقف بر او کرده و سیورغالهایی در این سرزمین که پاره‌ای از ایران شهر است بدو بخشیده و از گونه‌گون باج و خراج او را معاف ساخته و دستور داده است که فرمانروایان عراق عرب خود به دیدار او روند و هرگز او را نزد خود نخوانند.

از این فرمان که در مستدرک الوسائل نوری (۳: ۴۳۲) و روضات الجنات خوانساری (ص ۳۹۰) به نقل از ریاض العلماء افندی اصفهانی آمده است بر می‌آید که او پیش از این هم در سال ۹۳۶ چنین فرمانی داده بوده است.

کرکی نزد شاه تهماسب بسیار ارجمند بوده و در روایی آیین جعفری و نشر شعائر مذهبی شیعی و منع میگساری و گناهان بزرگ دیگر در قلم رو او بسیار کوشیده است (همانجای مستدرک).

گویا او بهمین مناسبت است که رساله فی معرفة الكبائر یا رسالة العدالة را ساخته است (دانشگاه ۳/ ۵۳۹۷).

او را شیخ علانی و مولی مروج و محقق ثانی میخوانده‌اند و او فرمان و دستور کار به شهرها می فرستاد و می نوشت که چگونه باج ستانند و به کار مردم برسند. او بود که قبله بسیاری از شهرها را برگردانده است (روضات ۳۹۰).

گویا در اثر همین نفوذ سیاسی کرکی بود که درباریان با وی بد

شده بودند چه سخت گیری او بر آنها ناگوار می آمده و نمی خواستند ببینند که شاه تهماسب دست او را در دستگاه دیوان و دولت بازگذارد و گویا او را همانها زهر خورانده بودند (فهرست دانشگاه ۱۹۶۵:۵) داستان او و نعمة الله حلی گویا با همین جا مربوط باشد.

۳- فاضل الدین محمد بن اسحاق بن محمد ابهری حموی در ۹۳۷
(=منهج مذهب امامی) بنام شاه تهماسب منهج الفاضلین فی معرفة الأئمة الطاهرین ساخته است در اثبات تشیع در يك مقدمه و پنج باب و يك خاتمه.
(ایوانف ۲: ۲۷۵ ش ۳۹۶ مورخ ۲۲ صفر ۱۰۷۰ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۹۹۸).

۴- فخرالدین ابوالحسن علی بن حسن زواره ای اصفهانی شاگرد غیاث الدین جمشید زواره ای مفسر و محقق در گذشته ۹۴۰ و استاد فتح الله بن شکر الله کاشانی در گذشته ۹۸۸ یا ۹۹۷ که ترجمه الخواص خود را در ۹۴۶ ساخته است به نام شاه تهماسب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) را بانام آثار الاخیار به فارسی در آورده است.

(استوری ۱: ۱۴ و ۱۵ و ۲۹ و ۱۱۹۷ و ۱۲۰۹ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۳:۲).

همو الإحتجاج علی اهل اللجاج طبرسی را برای شاه تهماسب بنام کشف الإحتجاج به فارسی در آورده است (ذریعه ۷: ۱۸ - دانشگاه ۱۴۸۷:۵).
او از احسن الکبار فی معرفة الأئمة الأطهار محمد ورامینی را که نسخه مصور نوشته برای شاه تهماسب در لنینگراد هست بدستور همین شاه در سال ۹۵۰ بنام لوامع الانوار الی معرفة الأئمة الأطهار در يك مقدمه و چهارده باب گزین کرده و به فارسی روان تری در آورده است.

(استوری ۱: ۲۱۱ - ذریعه ۳۹۱: ۱۸ - سپهسالار ۴۸۵:۵).

- روضه الأبرار او هم که شرحی است بر نهج البلاغه سید رضی موسوی بغدادی به فارسی و مورخ ۹۴۷ گویا برای همین شاه ساخته شده باشد. (فهرست فیلمها ۱۳۳- آستان رضوی ۱: ۴۰، س ۱۲۳ اخبار).
- او ترجمه المناقب خود را بنام قوام‌الدین محمد در ۹۳۸ یا ۹۶۸ نگاشته است. (دانشگاه ۵: ۱۲۱۸- استوری ۱: ۲۱۰ و ۱۲۶۰).
- ۵- سید امیر محمد بن ابی طالب حسینی استرآبادی گرگانی در گذشته ۹۴۵ (تحفه سامی ص ۷۸) شاگرد محقق کرکی نفحات‌اللاهوت استاد خود را به فارسی برگردانده است. نسخه‌ای از آن مورخ ۹۵۱ را شاه‌عباس در ۱۰۳۷ بر آستانه عبدالعظیم حسنی در شهرری وقف کرده و اکنون هم در کتابخانه آن آستانه هست (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۳: ۶۶) دانشگاه تهران هم نسخه‌ای دیگر از آن دارد (۲۲/۲۴۵۴).
- این ترجمه گویا به دستور شاه تهماسب یا برای خوشایند او شده است. همین استرآبادی بنام شاه تهماسب «تفسیر آیه‌الکرسی و فضیلت آن» در یک مقدمه و ده فصل و یک خاتمه به فارسی ساخته است (فهرست سپهسالار ۳: ۴۶۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۴).
- ۶- جمال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق الهی اردبیلی در گذشته ۹۵۰ منهج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه دارد بفارسی بنام شاه تهماسب (ایوانف ۱: ۵۳۲ ش ۱۱۰۷- فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۲۶۰ و ۲۷۰).
- ۷- میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی سماکی استرآبادی در گذشته ۹۷۰ یا ۹۸۴ بنام شاه تهماسب به سال ۹۵۲ تفسیری بر آیه‌الکرسی نگاشته و او را دران پس از پیامبر و پیشوایان شیعی از پرهیزکارترین مردمان بشمار آورده است.

- (نسخه شماره ۸۳۹ الهیات مشهد که گویا اصل باشد - نسخه شماره ۸۸۷/۱۰ حسین مفتاح در تهران که در نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۲۶۱ شناسانده‌ام - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۴ - ذریعه ۴: ۳۳۰).
- همین سماکی بنام همان شاه در ۹۴۱ حاشیه‌ای بر شرح تجرید قوشچی نگاشته و حاشیه دیگری هم بران در ۹۵۲ ساخته‌است و حاشیه‌ای هم بر شرح الهدایه میبیدی دارد.
- (ایوانف ۵۲۹:۱ ش ۱۱۰۱ - فهرست آستان قدس ۷۷:۴ و ۷۸ و ۸۷ - مجلس ۵: ۱۳۰).
- در خلد برین قزوینی آمده‌است که این دانشمند از نزدیکان و درباریان شاه‌تھماسب بوده‌است (برگ ۸۷ پ ش ۲۵۲ مجلس تهران).
- ۸- عمادالدین علی شریف پسر عمادالدین علی پسر نجم‌الدین محمود قاری استرآبادی مازندرانی بنام شاه‌تھماسب در مدرسه شاه‌رخ میرزا گویا به سال ۹۵۶ تحفه شاهی نگاشته‌است. او تجویدالقرآن دارد بنام شاه قلی سلطان گویا مورخ ۹۵۰ و رساله قرائت عاصم بنام «مریم باقیس جناب صفوی» و رساله مفردة عاصم بنام شاه صفوی.
- (مجلس ۳۱:۷ - استوری ۴۲:۱ و ۱۲۲ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۷۴ و ۸۲ و ۹۳ و ۱۰۱).
- ۹- ملا ابراهیم گرگین پسر ولی‌الله استرآبادی در سال ۹۵۸ بنام شاه تھماسب رساله حسنیه ساخته‌است که در جدال مذهبی شیعی است و داستانی بس شگفت دارد که من در فهرست دانشکده ادبیات (۲۰۸:۱) از آن یاد کرده‌ام. (ایوانف ۲۷۶:۲ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۹۳۶).
- ۱- خاتم‌المجتهدین سیدحسین بن حسن مجتهد مفتی کرکی جبل عاملی قزوینی اردبیلی نواده دختری شیخ عبدالعالی کرکی و درگذشته

۱۰۰۱ که شیخ الإسلام و متصدی شرعیات اردبیل بوده و به سه زبان عربی و فارسی و ترکی هر سه بخوبی آشنایی داشته است (برگ ۸۷ نسخه ش ۲۵۲ مجلس از خلدبرین قزوینی) بنام شاه تهماسب الطهماسیة فی الامامة و بنام او و خان احمد گیلانی در ع ۹۵۹/۱ دفع المناواة عن التفضیل و المساواة درباره برابری علی (ع) با پیامبر (ص) و برتری امامان دیگر بر پیامبران پیشین ساخته است. (مجلس ش ۵۲۵۵ مورخ ۹۸۰ - ذریعه ۱۵: ۱۹۳ - دانشگاه ۶: ۲۲۲۲).

۱۱ - شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد جبعی عاملی (۹۱۸-۹۸۴) پس از اندوختن دانش و تحصیل از میهن خویش دوری گزیده و به ایران آمده و در سال ۹۶۳ به دربار شاه تهماسب راه یافته بوده است. نامه ای که شاه تهماسب به سلیمان عثمانی درباره گریختن پسرش به دربار ایران نوشته است انشاء او است (دانشگاه ۱۱/۲۴۷۷). او بود که نماز آدینه را در ایران آن روز روایی داده و شاه او را شیخ الإسلام و متصدی شرعیات کرده است (خلدبرین قزوینی برگ ۹۲ ر نسخه ش ۲۵۲ مجلس). او پس از سال ۹۶۳ است برای شاه تهماسب در نماز و پاکی و وسواس و درمان آن به عربی عقد الدرر الطهماسی یا العقد الطهماسی یا العقد الحسینی ساخته و در ذح ۹۶۸ آن را به پایان برده است (ش ۲۹۲ نسخه اصل کتابخانه مزار عبدالقادر گیلانی در بغداد) که آن را گویا الرسالة الوسواسیة هم میخوانند. (ذریعه ۱۵: ۲۸۸ - دانشگاه ش ۵۳۸۷/۲ - سپه ۱: ۴۸۴ و ۵: ۳۲۳). رساله دیگری هم بنام رساله در اصلاح امر وسواس داریم که در پنج تحقیق است و یک خاتمه و گویا بنام شاه تهماسب ساخته شده است و نمیدانم از کیست (آستانه قم رساله نهم مجموعه شماره ۳: ۸۸ - ۵۹۳۵).

همین دور رساله میرساند که بیماری وسواس مذهبی شاه تهماسب

ورد زبان همه و مایه گرفتاری او شده بود و دانشمندان در پی درمان آن بوده‌اند.

همین عاملی الرسالة التهماسية فی الفروع الفقهية دارد که گریباً المسائل الفقهية یا الرسالة التساعية یا سؤال و جواب در مسائل مشکل فقهیه هم خوانده می‌شود و در پنج باب است و يك خاتمه و در زمان تهماسب ساخته است. (ذریعه ۱۵: ۱۹۳ - سپه ۱: ۴۰۹ و ۴۴۴ و ۴: ۵۵۳ و ۵: ۱۱۹).

او اربعون حدیثا هم بنام شاه تهماسب ساخته است که نسخه آن را می‌شناسیم. کتاب دیگری در چهل حدیث داریم که در آغاز آن چند حدیث است در وجوب اطاعت از پادشاه و چند حدیث در پرهیز از وسواس و خود کتاب درباره فضیلت امامان است و مورخ ۲۳ محرم یا ۱۴ ذح ۹۸۲، این کتاب را به شیخ عبدالصمد جبعی عاملی (۸۵۵-۹۳۵) پدر همین عزالدین حسین عاملی و به کمال الدین عبدالصمد پسر او در گذشته ۱۰۲۰ نسبت داده‌اند که نباید درست باشد بلکه گویا از مروی عبدالله بن سعید شوشتری کشته در بخارا به سال ۹۶۷ که در مشهد میزیسته و امر به معروف و نهی از منکر میکرده است (خاندین همانجا) باشد (دانشگاه ۵: ۶۹۰-۱ - آستان قدس ۵: ۱۳۰ - حسین مفتاح ۱/ ۱۳۱۹).

۱۲ - نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری استرآبادی هروی بنام شاه تهماسب و محمدخان فرمانروای خراسان مکارم الأخلاق طبرسی را به فارسی برگردانده و آن را محاسن الآداب نامیده و در شهر هرات در ع ۲/ ۹۶۳ به انجام رسانده است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۶۸۰).

همو عدة الداعی ابن فهد حای را که در شب دوشنبه ۲۶ ج ۱/ ۸۰۱ ساخته است بنام شاه تهماسب و قزاق خان پسر محمدخان در شهر هرات در ۱۲ شوال ۹۶۷ به فارسی در آورده است.

(ذریعه ۴: ۱۱۶ - مجلس سنا ۱۳۲۴۳).

۱۳- در جمع میان فتاوی دانشمندان پنج مذهب شیعی دوازده امامی و شافعی و حنفی و مالکی و حنبلی و سنجدین آرا آنها بایکدیگر کتابی در دست داریم به فارسی بنام فقه مذاهب خمس که گویا پیش از ۹۷۸ ساخته شده و باید بنام شاه تهماسب باشد. (فهرست فیامهای دانشگاه ص ۱۴۹ و ۷۷۷)

۱۴- سید امیر عبدالرحیم بن محمد حسینی گرگانی بنام شاه تهماسب در مشهد عبدالعظیم شهرری به سال ۹۷۸ تحفه شاهیه ساخته است در پنج مقصد: پاکی، نماز، پناه دادن کافران، احکام اسیران، لقطه و گمشده، سپس خاتمه در برخی از مسائل لقطه.

او گویا همان سید عبدالرحیم پسر سید عبدالله پسر پادشاه حسینی مکی مؤلف تحفة النجباء فی مناقب آل العبا برای شریف مکه باشد.

(ذریعه ۳: ۴۴۴ و ۴۷۶).

۱۵- تاج الدین حسن گرگانی کاشانی شاگرد محقق کرکی و زنده در ۹۳۵ گویا مؤلف فقه شاهی باشد که دو تحریر از آن در دست داریم و بایستی پیش از ۹۶۹ و ۹۸۰ و ۹۹۴ به انجام رسیده باشد. آن را از محقق احمد اردبیلی در گذشته ۹۹۳ و کمال الدین حسین الهی اردبیلی در گذشته ۹۵۰ هم دانسته اند و شاید هم از ابو الفتح شریفی گرگانی باشد.

این کتاب را برای شاه تهماسب بایستی ساخته باشند، من درباره آن در مجلد ۱۶ فهرست دانشگاه که اکنون زیر چاپ است بحث کرده ام.

۱۶- عبدالعلی بن محمود خادم جاپلقی بروجردی حیدرآبادی به

دستور سایمان میرزا فرزند شاه تهماسب برای همشیره او پری خان خانم شرحی بر الالفیه شهید اول نگاشته است (آستان رضوی ۲: ۸۵).

او برای خود شاه تهماسب رساله فی صلاوة الجمعة به عربی و یکی هم

به فارسی ساخته است. او نماز آدینه را واجب نمی‌دانسته است (دانشگاه
۲۰۸۸:۵).

اوست که گویا فقه شاهی الهی را بنام همین پادشاه درپاکی و نماز
به فارسی نگاشته است. (شماره ۹۷۸/۲ جامع گوهرشاد مورخ ۹۸۳ ص
۱۵۷ فهرست شهرستانها).

۱۷- محمدیوسف بن حسن حسینی استرآبادی بنام شاه تهماسب

طهارتیه دارد در سه فصل و خاتمه. (ایوانف ۷۷:۴ ش ۱۱/۱۰۶۲).

۱۸- امیر ابو الفتح بن مخدوم خادم حسینی عرب شاهی شریفی گرگانی

در گذشته در اردبیل بسال ۹۸۶ برای شاه تهماسب با پدرش از صفوة
الصفاء ابن بزاز تحریری در خور دستگاه صفوی کرده است.

(فهرست فیلمها ۱۳۸ - فهرست سپهسالار ۲۸۷:۵ - فیلم ۳۱۹۳

دانشگاه از نسخه موزه بریتانیا - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۲۷۱).
او به دستور همین پادشاه گویا در ۹۷۴ تفسیر شاهی ساخته است
درباره آیات احکام فقهی به فارسی. (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۳۲
و ۱۲۷۱).

گویا اوست که بنام «شاهزاده مهین بانو سلطانم» اعتقادات ابن بابویه
را به فارسی ترجمه کرده است (ایوانف ۲۷۰:۲ ش ۳۸۶ - فهرست نسخه‌های
خطی فارسی ۹۱۳).

۱۹- عبدالاحد بن برهان‌الدین علی سرجانی بنام شاه تهماسب در

هنگامی که او با خواندگار روم می‌جنگیده است تفسیر سورة الروم ساخته
است. (دانشگاه ۱: ۱۱۱ - ذریعه ۱۹۵:۷).

۲۰- درباره جزیره خضراء که داستانش در آن روزگار بر سر زبانها

بوده و در احتجاجهای مذهبی خود گواهی بشمار می‌آمده است میگویند که

شیخ علائی محقق کرکی بنام شاه تهماسب رساله الجزیره الخضراء به عربی نگاشته است و آن در هند به چاپ رسیده است (مؤلفین مشار ۲۰۸:۴) .
 امیر شمس الدین محمد بن اسدالله شوشتری درباره این داستان و اثبات امامت و حکمت غیبت اقبال نامه دارد به فارسی بنام شاه تهماسب .
 (دانشگاه ۱۰۹۸:۵) .

نورالله شوشتری نیز جزیره خضراء و بحر ابیض دارد که در لکهنو، بسال ۱۸۸۴ م چاپ شده است (فارسی مشار ۲۰۶) .

۲۱- نورالدین محمد بن ابی القاسم حبیب الله واعظ اصفهانی بنام شاه تهماسب در الفرید در فضایل توحید در سه مجلس و یک خاتمه درباره ذکر گویا برای توحیدخانه ساخته است (نسخه عرضه شده به دانشگاه تهران برای فروش) .

او مؤلف تحفة الرضا الذخيرة الملوك النجباء است به فارسی که دران به نام محمدا حسینا الذهبية الرضویة را به فارسی برگردانده است (نسخه ۳۶۲/۱ حسین مفتاح یادشده در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۲۳۵:۷) .
 کتاب دیگری بنام تحفة شاهی در چهل فضیلت در تبلیغ مذهب زمان صفوی داریم که بنام شاه تهماسب ساخته شده است (نسخه ۶۱۲/۱ حسین مفتاح در همان نشریه ۲۴۹:۷) این هم شاید از او باشد .
 نمیدانم محمد واعظ اصفهانی نگارنده جامع المعجزات (فهرست نسخه های خطی فارسی ۹۲۸) همین مؤلف است یا نه .

این بودن نمونه ای از آثار مذهبی که بنام شاه تهماسب ساخته اند، پس ازین از چند اثری یاد میکنیم که گرچه مذهبی نیست ولی میرساند که بنام او کتابی می نگاشته اند که خلاف مذهب نباشد و از علوم محرمة به شمار نیاید .
 ۲۲- حیاتی که گویا همان قاسم بیک قزل باش خوشنویس منشی و

امیر شاه تهماسب و شاید همان میر قاسم استرآبادی تعلیق نویس منشی استرآباد و از نزدیکان شاه تهماسب باشد به دستور و بنام او [تاریخ مرشدان صفوی] دارد در سه حدیقه سومی در هشت روضه که نسخه‌ای از آن نزد حسین مفتاح در تهران است به خط نستعلیق علی خان پسر علی بیگ در ۱ شعبان ۱۰۳۹ در هنگامی که از تبریز به اردبیل آمده بود و آن را من در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۷: ۱۱۰، ش ۴۹۳) شناسانده‌ام و از کتابهای دیگر مانند آن هم که به روش افسانه‌گویی نزدیک تر است یاد کرده‌ام.

(نیز بنگرید به: تحفه سامی ۲۴۲ - خوشنویسان بیانی ۵۷۹ - ذریعه ۲۶۸:۹ - فرهنگ سخنوران ۱۷۴).
این کتاب و مانند آن گویا با دو عالم آرای شاه اسماعیل و شاه تهماسب بی ارتباط نباشد.

از عالم آرای شاه اسماعیل چند نسخه در دست است:

- ۱- نوشته ۱۴/۱۰۱۰ در پانزدهمین سال پادشاهی شاه عباس با ۲۵ تصویر کار معین مصور که وحیدالملک شیبانی داشته است و آقای نصرالله فلسفی در کتاب زندگانی شاه عباس اول (۱: ۲۴۰) از آن یاد کرده است.
- ۲- نوشته ذح ۱۱۲۶ به خط نستعلیق که جلد یکم است و دوم آن تاریخ عالم آرای شاه تهماسب است و شادروان طاهری شهاب در ساری آن را داشته و در راهنمای کتاب (۱۲: ۸ و ۷ ص ۴۶۴) آن را شناسانده و در دو دیباچه چاپ عالم آرای شاه اسماعیل صفوی هم وصف آن هست.
- ۳- نوشته ۱۲۹ گویا ۱۲۰۹ شماره ۱۵۱۴ مدرسه سپهسالار (فهرست ۳: ۲۹۸).

۴- نوشته علی رضابن محمود جان بهبانی در ۸/۲۴/۱۲۳۴ به خط نستعلیق برای محمد مهدی قلی سلطان نوری از آن حسین مفتاح در تهران.

- ۵- نوشته محمودخان بن محمدعلی بهبهانی در ۱۲۳۹ از آن خان ملک ساسانی که در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۵: ۱۱۴ و ۳۷۲) از آن یاد شده است.
- ۶- نوشته حسن بن محمد جعفر موسوی برای میرزا ابراهیم پسر میرزا معصوم به نستعلیق در روز پنجشنبه ۲۰ ذق ۱۲۴۰ از آن آقای منتظر صاحب.
- ۷- نوشته شاپور گرجی در روز یکشنبه ۱۲ع ۲۶ که تاریخ سال آن پاره شده است و باید از سده ۱۲ باشد، از آن حسین مفتاح.
- ۸- به خط نستعلیق سده ۱۲ با عنوان شنگرف آغاز و انجام افتاده به اندازه وزیری (نسخه مجلس) که نخستین عنوان آن پاک شده و دوم آن چنین است «تاخت نمودن سلطان قیصر پسر یزید به دیاربکر» که در چاپ دوم ص ۱۳۸ آمده ولی در چاپ نخستین ص ۴ نیامده و مطلب آن در آن هست.
- در پایان این نسخه این عبارت دیده میشود: «اما ازین جانب از امیر خان بشنو امیرشاه طهماس و اینکری بیگی هرات بود».
- پس از این جا باز پسین عنوان نسخه است بدینگونه: «دادن شاه عالم- پناه هرات را به دورمیش خان و معزول نمودن امیرخان» که در چاپ دوم ص ۵۹۲ آمده و در چاپ نخستین هم نزدیک به آن دیده میشود.
- ۹- به نستعلیق سده ۱۲ و ۱۳ در جدول زر و لاجورد با عنوانهای شنگرف و دارای پانزده مجلس نقاشی و یک سرلوح.
- باز پسین عنوان آن چنین است: «ذکر آمدن سلطان سلیمان و غزالی مرتبه دوم به ایران و گرفتار گردیدن غزالی به دست حضرت ظل الهی و سوانحی که در آن ولا به منصبه ظهور پیوست» که در ج ۱ ص ۵۷۵ و ج ۲ ص

۵۵۵ دیده میشود.

آغاز این نسخه: [جلد اول تاریخ عالم آرا [احوال] جد ماجد شیخ صفی‌الدین اسحق موسوی الحسینی علیه‌الرحمة والفران. بسمله. و به نستعین. اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار چنین آورده‌اند که در زمان امام فرض الإطاعة و واجب العطفية حضرت امام موسی کاظم علیه [السلام] که جد ماجد سلطان محمد فیروز شاه بود و سلطان سید فیروز در دارالارشاد اردبیل وطن داشتند» (مانند نسخه دوم مفتاح مورخ ۱۳۲۴ و چاپ نخستین. آنچه میان دو قلاب گذارده‌ام از چاپی و نسخه دوم مفتاح است).

انجام: نقاره‌های بشارت فرو کوفته و سپاه [روم خیردار گردیده به خدمت خواندگار سجده] و تسلیم بجای آورده و بعد ازان نقش سلطان را ابرداشته و ازان منزل کوچ کرده و به جانب استنبول روانه گردند] اما خواجه جلال‌الدین که بعد از میرزا شاه‌حسین به منصب وزارت دیوان. از این پس افتاده و آنچه میان دو قلاب گذارده‌ام در نسخه پاره شده و از روی چ ۱ ص ۵۹۸ و چ ۲ ص ۵۷۷ افزوده‌ام. عبارت «اما خواجه جلال‌الدین... دیوان» در ص ۶۲۶ چ ۱ دیده میشود.

این کتاب را آقای منتظر صاحب از روی نسخه خودش در ۱۳۴۹ در بنگاه ترجمه و نشر در تهران بنام عالم آرای شاه اسماعیل و آقای یدالله شکری از روی دو نسخه مفتاح در ۱۳۵۰ در بنیاد فرهنگ در تهران بنام عالم آرای صفوی چاپ کرده‌اند.

این کتاب به روش داستان‌سرایی و سخنوری و نقالی درویشان روزگار صفویان است و برای تبلیغ سیاسی و حزبی ساخته شده و عبارتهای «عرض نکردیم، عرض کردیم، اما، و از این جانب از... بشنو، اما از این جانب،

وازان جانب، الحال آن... را بگذار، چند کلمه از احوال... بشنو، اما از جانب... بشنو، او را در سرعت بگذار و از... بشنو» که در نسخه‌های آن فراوان است گواه بر این معنی است.

در طومار گنجینه شیخ صفی (ص ۴۴) از «تاریخ عالم آرا مشهور به تاریخ شاه اسماعیل» وصف شده و نمیدانم همین است یا نه.

در فهرست سپهسالار ماگمان برده‌ایم که این کتاب در روزگار شاه اسماعیل بنیادگذارده شده و شاید هم شالوده آن در آن هنگام ریخته شده باشد.

در پایان نسخه سپهسالار و نسخه دوم مفتاح و نسخه‌های منتظر صاحب و طاهری شهاب عباراتی آمده که می‌رساند که شاه تهماسب هنوز زنده است اگرچه در پایان نسخه نخستین مفتاح نوشته شاپور گرجی تنها از مرگ شاه اسماعیل یاد شده و نامی از تهماسب نیست. همچنین در آن آمده است: «شاه عالم گیر شاه تهماسب بهادرخان غازی» (چ ۲ ص ۱۶۹) و «حضرت شهر یاری شاه تهماسب خلدالله ملکه» (چ ۱ ص ۸۴). به ویژه آنکه نسخه‌ای داریم که در ۱۰۱۰ نوشته شده است. پس این کتاب دست کم بایستی در روزگار شاه تهماسب تدوین شده و به دست نقالان گذارده شده باشد و آنها و کاتبان آنچه می‌توانستند در آن دگرگونی‌ها و فزونی‌ها و کاستی‌هایی وارد می‌کرده‌اند ازین رو است که در یک تحریر آن از شاه عباس و فرح آباد (چ ۱ ص ۳۷۷ و ۴۵۲ و چ ۲ ص ۲۲۳ و ۳۹۹) - و در تحریر دیگر آن از سال ۱۰۸۶ به عنوان سال تألیف (چ ۱ ص ۵۸۱ و چ ۲ ص ۵۶۱) یاد شده است. در نسخه نوشته شاپور گرجی نسبتنامه پادشاهان صفوی است که می‌رسد به شاه سایمان که در ۱۰۷۷ بر تخت نشسته است. پس میتوان گفت که این تحریر یا نقل در روزگار او به سال ۱۰۸۶ انجام یافته است و همه این تحریرها و نقل‌ها بر روی نخستین تحریر و نقل که از روزگار شاه اسماعیل

یا شاه تهماسب است بنیاد نهاده شده و همه این عبارتهای بعدی از نقالان و درویشان و قصه خوانان و کاتبان است.

باری نقالان گویا در تدوین این کتاب از این منابع بهره برده باشند.

۱- احسن التواریخ روملو مجلد دوازدهم از سال ۹۰۰ تا ۹۸۵.

۲- خلاصه التواریخ میر منشی مجلد پنجم.

۳- فتوحات یمنی هروی که در عالم آرای عباسی (ص ۱۳ و ۱۴ و ۱۸ و

۲۰ و ۲۴) از آن یاد شده است و گویا با چهارمی یکی باشد.

۴- تاریخ فتوحات شاهی میرزا سلطان ابراهیم امینی صدر که در

هرات به سال ۹۲۷ ساخته است (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۵: ۵۷۳ و

۱۱۰:۷ - نسخه مرتضی نجم آبادی که حکمت در کتاب از سعدی تا جامی

ص ۵۹۶ از آن یاد کرده است) از اوست دیباچه مرقع استاد بهزاد و او را

اوزبکان در ۹۴۱ کشته اند (تحفه سامی ۴۶ - مجالس النفایس ۱۳۸).

۵- تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب محمود بن خواندمیر هروی

که در ۹۵۵ و ۹۵۷ بنام رکن السلطنه محمدخان ساخته است (نشریه همانجا

- فهرست یزد ص ۳۵۷ ش ۳۹۳) و مطالعات فرنگی

۶- تاریخ صفویه میر ملایم بیک اسماعیل حسینی مرعشی تبریزی میر

دعوی که به روش روایت و نقل است (ش ۴۰۷۵ ملک به نستعلیق سده ۱۲،

فهرست فارسی ص ۸۴).

۷- تاریخ اکبری ابوالفضل ناگوری ساخته ۱۰۰۴ که در همین کتاب

ما (ص ۴۹۹ ج ۱ و ۴۵۳ ج ۲) از آن یاد شده است.

از عالم آرای شاه تهماسب دو نسخه می شناسیم:

۱- نسخه مجلس به خط نستعلیق سده ۱۱ که در مجله یفما ش ۱۹۶

ص ۳۵۴ شناسانده شده و آغاز و انجام آن افتاده است و رویدادهای

سالهای ۹۲۰ تا ۹۶۳ را دارد.

۲- نسخه طاهری شهاب که باعالم آرای شاه اسماعیل در یک مجلد است و این هم باید با آن نسخه یکی باشد.

به روش داستان سرایی و سخنوری و نقلی است و گویا گرفته از احسن التواریخ روملو و خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی.

۲۳- تقی الدین محمد حیرتی مروی هروی تونی در گذشته ۹۶۱ یا کشته در ۹۷۰ بهجة المباهج حسن بیهقی سبزواری را به دستور شاه تهماسب به سال ۹۵۳ بنام کتیب معجزات به نظم فارسی در آورده است.

(ذریعه ۲۸۲:۷ - فهرست آستان قدس ۳۱۲:۷ - فهرست ادبیات تهران ۳۸۹:۱ - دانشگاه ش ۵۱۳۳ - استوری ۱۸۲:۱).

همچنین او بنام شاه تهماسب به سال ۹۴۵ رساله منظوم در نماز سروده و ماده تاریخ آن «خوش حال» است (ایوانف ۵۶:۴ س ۱۰۲۲).

۲۴- سراج الدین محمد قاسم بن نظام الدین حسن بن جلال الدین ابراهیم ابن شمس الدین علی بن نقیب عبدالمطلب حسینی عبیدلی مختاری سبزواری نسابه بنام شاه تهماسب و ابوالعلی میر اسدالله مرعشی شاه میر صدر در گذشته ۹۶۳ در تبریز اسدیه در انساب سادات علویه مرعشیه در یک مقدمه و پنج فصل ساخته است.

او در ۹۵۰ بر عمدة الطالب ابن عنبه حواشی نوشته است.

(فهرست فارسی ملك ص ۲۳ ش ۱۷۰۳ مورخ ۱۳۲۱ و ش ۵۳۳۱ مورخ ۱۳۴۵ - کراسه المعی افضل الملك ش ۱۵۱۶ مجلس ص ۴۶۲ تا ۴۹۶ فیلم ۱۵۳۶ دانشگاه - ذریعه ۶۶:۱۱ - جامع الانساب ۶۸).

۲۵- سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیای گیلانی نجفی شاگرد سراج الدین محمد قاسم حسینی عبیدلی مختاری سبزواری نسابه به درخواست

او و بنام شاه تهماسب سراج الانساب خود را در نجف به سال ۹۷۶ در يك مقدمه و چند مصباح و يك خاتمه ساخته است (ش ۳۵۳۳ ملك از سده ۱۲ - ذریعه ۱۵۶:۱۲ - جامع الانساب ص ۶۷).

۲۶- نورالدین علی منعل پسر میرحیدر قمی زنده در ۹۷۴ رساله مشایخ قمیان دارد بنام پادشاه پرهیزکار زمان خود که ناگزیر شاه تهماسب خواهد بود و او آن را در آغاز سال ۹۸۷ در قم به انجام رسانده است. (ش ۴۷۷۰/۲ مجلس، فیلم ۳۹۲۵ دانشگاه از روی همین نسخه).

۲۷- سید میرزا محمد قاسم گونابادی در گذشته ۹۸۴ شاهنشاهنامه سروده است که دفتر یکم آن در سرگذشت شاه اسماعیل و در زمان او آغاز شده و مورخ ۹۴۰ و دفتر دوم آن در سرگذشت شاه تهماسب است و مورخ ۹۵۰، نسخه‌ای از آن را ابراهیم منشی رضویه در ۹۴۸ نوشته و سیزده تصویر دارد و آن در موزه بریتانیا هست به شماره Add 7784.

(ذریعه ۱۳:۲۲ - راهنمای کتاب ۴:۴۰۱۳ - خوشنویسان بیانی ۲۱ - فهرست ریو ۶۶۰ - استوری ۳۰۵:۱ - ایوانف ۱۸۸:۲ ش ۲۵۳ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۸۹۸ و ۲۹۵۶ - نقاشی‌های صفوی سچوکین ص ۱۳۳ ش ۱۸۴).

او عمدة الأشعار دارد در ۴۰۰ بیت که در ۹۶۵ سروده و گوی و چوگان یا کارنامه که به دستور شاه تهماسب در سه هفته به سال ۹۴۷ در ۱۵۰۰ بیت ساخته است. زبدة الأشعار او ۴۴۰۰ بیت است و سروده ۹۷۶ و لیلی و مجنون او دارای ۲۵۴۰ بیت است و بنام ابو الفتح میرزا جاهی صفوی و مورخ ۹۷۸، در آغاز همه اینها از شاه تهماسب ستایش شده است (فهرست آستان قدس رضوی ۷:۷۰۷ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۹۵۲ و ۳۰۰۸).

۲۸- مجنون رفیقی بنام شاه تهماسب آداب خط سروده است در پنج

باب به فارسی و در دیباچه آن از او ستوده است .
 او رسم الخط دارد به نظم فارسی دارای بیش از ۴۰۰ بیت که در یک
 ماه بنام سلطان ابوالمنصور مظفر چنگیز خانی پسر سلطان میرزای بای قرا
 به سال ۹۴۰ سروده است گویا پیش از آداب خط خود .
 همچنین سواد الخط به نثر فارسی درشش باب که پس از رسم الخط
 خود ساخته است .

(فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ - هنر و مردم
 ش ۷-۸۶ ص ۳۶ - دانشگاه ش ۴۲/۳۰۱۰ ص ۱۸۲ و ۴۷۳۶/۲۴ ص ۱۴۴
 تا ۱۴۹ و ۷۷۷۲ - مجله آریانا ش ۲۹ ص ۵ ص ۳۳) .

۲۹- حسین و فائی در سال ۹۳۳ بنام شاه تهماسب فرهنگ فارسی
 به فارسی نگاشته است (فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۹۳۸) .

۳۰- سام میرزا به سال ۹۵۷ تا ۹۶۸ تحفه سامی خود را بنام شاه
 تهماسب ساخته است (چاپ دوم همایون فرخ) .

۳۱- سلطان محمد فخری پسر محمد امیر امیری هروی زاده در
 ۹۰۳ و زنده تا ۹۷۰ تحریر سوم جواهر العجایب خود را در سند به سال
 ۹۶۳ بنام شاه تهماسب کرده است . مطالعات فارسی

سید حسام الدین راشدی آن را با روضه السلاطین و دیوان فخری در
 حیدرآباد به سال ۱۹۶۸ به چاپ رسانده است .

(ص ۷۱ و ۱۱۳ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۷۱ همین چاپ - مجله ادبیات
 مشهد ش ۳۶ ص ۴۲۱ که دیباچه اردوی این چاپ در این شماره به فارسی
 درآمده است - تاریخ تذکره های فارسی ۴۱۷) .

۳۲- میر تقی الدین محمد بن شرف الدین علی ذکری حسینی کاشانی
 تذکره ای ارزنده و بسیار سودمند دارد بنام خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار
 که به نام ابوالفتح سلطان محمد صفوی و شاه تهماسب و شاه عباس است و

تاریخ ۹۷۵ تا ۱۰۱۶ دارد.

(تاریخ تذکره‌های فارسی ۵۲۴ - فهرست ادبیات تهران ۲۱۸۰:۱).

۳۳- خواجه ملازین العابدین عبدی بیک نویدی شیرازی مجاهد

مفرده نویس از کارکنان دفتر و دیوان شاه تهماسب و درگذشته ۹۸۸ بنام
همو کلیات و دیوان خود را ساخته است و از اوست صریح الملك که مجموعه
اسناد مزار و آستانه شیخ صفی‌الدین در اردبیل است بنام همین پادشاه
و او باز بنام همو بسال ۹۶۷ تکملة الاخبار خود را ساخته است.

(دیباچه مجنون و لیلی نویدی چاپ مسکو در ۱۹۶۶ - فهرست فیلمها

۵۸ - فهرست ادبیات تهران ۱۶:۳ - هنر و مردم ۱۰۵:۵۶ - معارف

اسلامی سازمان اوقاف ۱۰۹:۶ - نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۲۰۹:۳

- تاریخ اردبیل اردبیلی ۳۱۰:۱ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۸۹۷).

۳۴- محمد بن ناصر الحق حسینی نوربخشی بنام شاه تهماسب و

وزیرش میرزا فضل‌الله میرمیران بسال ۹۵۶ در قواعد نامه‌نگاری انشای

عالم آرای ساخته است در يك فاتحه و سه لعمه و يك خاتمه.

(آستان رضوی ۲۰۹:۷ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۰۸۴ -

هنر و مردم گفتار نگارنده در دبیری و نویسندگی).

۳۵- عمادالدین محمود شیرازی پزشك دربار شاه تهماسب نزدیک

به بیست سال بنام او قرابادین یا مرکبات شاهی ساخته است به عربی.

(بروکلمن ۱۴۴:۲ و ذیل ۵۹۲:۲ - فهرست عربی ریو ۶۳۳ - فهرست

فارسی ریو ۴۷۴ - فهرست فیلمها ۵۹۱ - استوری ۲۴۱:۲ - فهرست

نسخه‌های خطی فارسی ۵۷۹).

سرگذشت او در تاریخ عالم آرای عباسی (ص ۱۵۶ و ۱۶۸) و خلد برین

تزوینی آمده و او استاد شیخ بهائی بوده و در یکی از رسائل خود از «عرق

- مسکاو» وصف میکند (سخن رانی نگارنده در انجمن ایران شناسی تهران) .
- ۳۶- کمال الدین حسین بن نورالدین بن کمال الدین شیرازی پزشک شاه
نعمه الله یزدی و شاه تهماسب و خان احمد گیلانی بنام شاه تهماسب حفظ
الصحة نگاشته است در یک مقدمه و چهارمقاله . (استوری ۲: ۲۴۷- منزوی
۴۸۷ و ۵۲۱) .
- ۳۷- اوحدالدین عبدالله بلیانی بنام شاه تهماسب در شیراز به سال
۹۶۳ جهان الرمل به فارسی ساخته است. (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه
۱۴۱:۷ - فهرست دانشگاه ۹۶۸:۴) .
- ۳۸- قاضی احمد غفاری قزوینی در گذشته در دیبول سند در ۹۵۹
بنام شاه تهماسب تاریخ نگارستان ساخته است و از او است نسخ جهان آرای .
(فهرست ادبیات تهران ۵۱۳:۱ و ۱۹۵ - فهرست حقوق ۲۲۱) .
- ۳۹- سید مظفر محمد حسینی کاشانی ساعد شفائی در گذشته ۹۶۳
بنام شاه تهماسب اخلاق شفائی ساخته است .
- (فهرست ادبیات تهران ۲۱۰:۱ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۵۳۱)
- ۴۰- حسین عقیلی رستم داری در سی سالگی خود پس از سفر در
ایران و جاهای دیگر در محرم تاریخ دوم سال ۹۷۹ بنام شاه تهماسب ریاض
الابرار ساخته که مانند درة التاج قطب الدین شیرازی و نقایس الفنون شمس
الدین محمد آملی است و او آن را به پیروی از جامع العلوم یاستینی امام
فخر رازی نگاشته و آن تسعینی هم نامیده میشود . در دیباچه آن فهرستی
از کتابهای متداول میان دانشمندان هست .
- او در آن از مردم قزوین که از فلسفه و حکمت و ریاضی رومی گردانده اند
 سخت گله میکند . پیداست که از محیط سراسر مذهبی دستگاه صفوی
 چندان خوشش نمی آید .

در این کتاب يك فاتحه است و دوازده روضه و يك خاتمه و دران از علم خط و رسم الخط و هنر رنگ آمیزی و حل کردن و قلع آثار و علم ارغنون و تیراندازی و اسب تازی و بیطره و دام پروری و بازداری و داروسازی و موسیقی و علوم دینی و ادبی و فلسفی و ریاضی و تاریخ و تصوف و اصطلاحات و وحدت وجود و عشق گفتگو شده است .

نسختی از ان در آستان رضوی هست در دو جلد در ۷۰۹ ص و وقف نادر شاه در ۱۱۴۵ (فهرست آنجا ۱۷۴:۳ ش ۵۴ - ذریعه ۳۱۵:۱۱ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۶۶۹ - مجله وحید ۹۲: ۷۴۳ - شماره مخصوص سال ۱۳۵۰ نامه آستان قدس ص ۱۹۸) .

نیز نسختی در موزه بریتانیا که گویا پس از ۱۰۸۴ نوشته شده است (ذیل فهرست ریو ص ۱۰۳ ش ۱۴۴ ش Or 3648) .

من در دیباچه یواقیت العلوم (ص ز) از این نسخه یاد کرده ام .

۴۱- شیخ حاجی حسن طبسی که باید همان حسن بن زاهد غریب کرمانی مؤلف مفتاح الرموز و مقلاد الکنوز ساخته در ۷۲۶ بنام محمد بن تغلق شاه باشد در رمل مفتاح الکنوز فی الرموز نگاشته است در یزد به سال ۷۳۵، شاه تهماسب در سال ۹۶۸ از محمد بن جلال بن عبد الله حسینی بلیانی میخواست که کتابی در رمل برایش بفرستد او همین کتاب را با افزودن مقدمه ای نزد او می فرستد^{۴۴} .

۴۲- فیض الله تفرشی برای شاه تهماسب رساله در صید نگاشته است در سه باب و خاتمه به فارسی . (فهرست نسخه های خطی فارسی ۴۳۰ - نسخه حافظ فرمان فرمایان که مجلد نشریه کتابخانه مرکزی یاد شده و ش ۵۸ مجموعه ایست) .

۴۴- نشریه ۹۶:۲ و ۱۵۶:۶ - انوار ۲۹۴:۱ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۶۴۲ .

پاره‌ای از آثاری که در ردّ شیعه نگاشته‌اند

۱- جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰-۹۰۸) الحجج الباهرة فی افحام الطائفة الکافرة الفاجرة فی الرد علی الرافضة نگاشته است که نسختی از آن در کتابخانه اسعد افندی به شماره ۱۱۱۰ (بروکلمن ذیل ۳۰۸:۲) و نسختی در کتابخانه عارف حکمت مدینه مورخ ۹۴۰ (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۵: ۴۵۳) هست. او رساله‌ای هم در حرمت متعه دارد. شگفت اینجاست که او را به تشیع هم نسبت داده‌اند.

۲- فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی در رد نهج‌الحق و کشف الصدق علامه حلی به سال ۹۰۹ در شهر کاشان شیعه‌نشین ابطال نهج‌الباطل نگاشته است. در رد بر این کتاب است که قاضی نورالله مرعشی در ۱۰۱۴ احقاق‌الحق و ازهاق‌الباطل ساخته است همانکه میر نصیرالدین حسین بن عبدالوهاب بهبهانی به دستور میرزا سعدالدین محمد وزیر در روزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) بنام ایضاح احقاق‌الحق و میرزا محمد نائینی در گذشته ۱۳۰۵ بنام اثبات‌الحق به فارسی در آورده‌اند.

(فهرست دانشگاه ۳: ۵۴۱ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۸۷۰)

و ۸۹۵.

خنجی در مهمان‌نامه بخارا فتوی میدهد که باید با کلاه سر خان (قزل‌بورک، قزل‌قلپاق) جنگید چه آنها از فرنگان و قزاق بدترند (ص ۴۴) و ۵۷ و ۱۰۴ و ۳۴۶.

۳- حسین بن علی شیروانی زنده در ۹۴۷ در ماردین رساله فی تکفیر

قزلباش دارد (بروکلمن ذیل ۵۰۷:۲).

۴- محیی‌الدین محمد بن لطف‌الله بیرامی رومی برسوی در گذشته

۹۵۶ رساله فی تکفیر الشیعة الاردبیلیة و غیرهم من الفرق الضالة الروافض دارد که نسخه آن هم در کتابخانه عارف حکمت مدینه هست مورخ ۹۹۸ (نشریه ۴۵۳:۵).

۵- شهاب الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن علی بن حجر هیثمی مصری مکی (۹۰۹-۹۷۳) چند کتاب درین زمینه دارد مانند الصواعق المحرقة علی اهل الروافض والبدع والزندقه ساخته در مکه بسال ۹۵۰ که شیعیان در آن شهر فراوان بوده اند. در رد این کتاب است که قاضی نورالله مرعشی (۹۴۶-۱۰۱۹) الصوارم المهرقة نگاشته است (ذریعة ۹۳:۱۵). کتاب دیگر او در این زمینه باید السيف الباتر فی ارقاب الشیعة الکوافر باشد اگر چه در نسخه عارف حکمت مدینه (نشریه ۴۵۴:۵) بنام علی بن احمد هیثمی است.

سومین کتاب او تطهير الجنان واللسان عن الخوض والتفوه بسبب سیدنا معاویة بن ابی سفیان است که در حاشیه همان صواعق به چاپ رسیده است.

۶- معین الدین میرزا اشرف مخدوم حسنی شریفی شیرازی نواده میرسید شریف گرگانی که در مکه نزدیک به سال ۹۹۵ در گذشته و پیش از این در اصفهان در دستگاه صفویان و دربار شاه اسماعیل دوم بوده است و چون به سنت میلی داشته است شاه تهماسب باو چندان ارجی نمی نهاده است مگر اینکه یکی از زنان درباری باو عنایتی می کرده است (خلدبرین ش ۲۵۲ مجلس ۸۸ر). او برای سلطان مراد در شهر استانبول در ۹۸۸ النواقض علی الروافض ساخته است. (نشریه ۴۵۵:۵ - بروکلن ۴۴۳:۲ و ذیل ۶۵۷:۲) نگارنده به این کتاب و داستان اختلاف مذهبی افراد خاندان شریفی در فهرست دانشگاه (۵۱۶:۳) اشارت کرده ام. همان قاضی نورالله مرعشی بر این کتاب هم ردی بنام مصائب النواصب بنام شاه عباس در سال ۹۹۵ نگاشته است (همان جای

فهرست) و ابوعلی محمد بن اسماعیل کربلایی (۱۱۵۹-۱۲۱۶) در رد آن العذاب الواصب علی الجاحد والناصب یا مصائب النواصب و دوافن الكواذب در سه مجلد در ۱۲۰۶ تا ج ۲/۱۲۱۵ نگاشته است (ذریعه ۱۶: ۲۴۰ - فهرست شهرستانها ۹۱۴ - فهرست آستان قدس ۴: ۲۰۵).

۸- امام مطهر بن عبدالرحمن بن اسماعیل بن عرب قاضی زنده در ۹۸۸ زمان مراد سوم (۹۸۲-۱۰۳) رساله فی تکفیر الشیعة الأردبیلیة الإسماعیلیة و مشتمل للأقاویل فی الرد علی الروافض و عقائدهم نگاشته است (نشریه ۵: ۵۰۷ - بروکلن ذیل ۲: ۶۵۸ و ۳: ۱۲۸۷).

۹- نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مکی در گذشته ۱۰۱۴ الشیم العوارض فی ذم الروافض دارد و سلاله الرساله فی ذم الروافض من اهل الضلالة (نشریه ۵: ۴۵۳ و ۴۵۴ - بروکلن ۲: ۳۹۵).

۱۰- محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی کردی سهروردی مدنی شافعی (۱۰۴۰-۱۱۰۳) نواقض میرزا مخدوم رامختصر کرده است (چلبی - نشریه ۵: ۴۵۵).

سنیان خاورش سرزمین اوزبکان و کشور هند و افغانستان هم بیکار ننشسته بودند و به رد شیعه می پرداختند. در سالی که عبدالله خان اوزبک که شهر مشهد را محاصره کرده بود (۷-۹۹۶) فقیهی شیعی از همین شهر نامه‌ای اعتراض آمیز بدو نوشته بود که کشتار و چپاول مردم چرا؟! فقیهان سنی بدستور خان اوزبک پاسخ دادند که شما را فاضیان سنی وارید. در برابر این کار، محمد بن فخرالدین علی رستم‌داری خادم آستانه طوس و مدرس آنجا بدان پاسخ داده است (فهرست دانشگاه ۶: ۲۱۴۷) اینک نمونه‌ای از کتابها که اینها نوشته‌اند:

۱- کمال‌الدین بن فخرالدین جهرمی بنام براهین قاطعه برای ابراهیم

عادل شاه دوم (۹۸۷-۱۰۵۳) الصواعق المحرقة ابن حجر را در سال ۹۹۴ به فارسی درآورده است (ایوانف ۱: ۵۴۲).

۲- عبدالعزیز اکبرآبادی منتخب رد الروافض دارد که باید پیش از ۱۰۸۲ ساخته باشد (همانجا ص ۵۴۳).

۳- در سال ۱۰۹۳ در مکه ترجمه مختصر نواقض الروافض آغاز شده و تا ۱۲۲۲ انجام یافت (ص ۵۴۳ همانجا).

۴- محمد عوض حصاری لاهوری در شوارق مشرقه خود صواعق ابن حجر را بنام قلندر خان در ۱۱۳۴-۱۱۴۰ به فارسی برگردانده است (ص ۵۴۳ همانجا).

۵- شاه عبدالعزیز صاحب غلام عبدالحکیم پسر قطب الدین احمد پسر ابوالفیض دهاوی تحفه اثناعشری نگاشته و دران از مجلسی دوم یاد کرده است (همانجا ۲: ۲۷۸-دانشگاه ۵: ۱۱۳۷).

۶- شیخ آخوند درویش ننگر هادی افغان برای اینکه مردم افغانستان و هندوستان مذهب حق را از باطل بشناسند تذکره الأبرار والأشرار ساخته است نسخه‌ای از آن مورخ ۱۱۸۱ در فهرست افغانستان (ص ۲۴۰) نشان داده شده است (نیز ریو ص ۲۸ و ۱۰۷۸ و ذیل آن ص ۳).

رتال جامع علوم انسانی